



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلبه نواین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۲۶۰

۴شنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۳۷

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه

۲۰ آبان ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- طرح لایحه دوفوری ملی شدن امور مربوط به تلفن
- ۳- قرائت نامه آقای نخست وزیر راجع به لایحه قانون امنیت اجتماعی ضمن تقدیم آن لایحه
- ۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و ده دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس)

تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود (شرح زیر وسیله آقای ناظر زاده قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: مکی - مهندس حسینی - امامی اهری - دکتر شایگان - هدی - اورنگ - شوکتی - مدرس

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر امامی - فتحعلی افشار - دادور - امیرافشار معتمد دماوندی - محمدحسین قشقانی - پارسا - نبوی - راشد - تولیت

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه قبل نظری نیست. آقای حائری زاده حائری زاده - در جلسه سابق در مونیچ که جناب دکتر سنجابی عرایض مرا

سوه تعبیر و تفسیر میکردند من طبق ماده ۹۰ اجازه خواستم که توضیحاتی در این موضوع بدهم دیدم اجازه مرا در این باره ننوشتند مختصری اشاره شده است و از طرف مجلس هم مسکوت ماند حالا اگر آقایان اجازه میدهند من مختصر توضیحی بدهم و اگر آقایان موافقت دارند پس از تصویب صورت مجلس بعنوان ماده ۹۰ بن اجازه بدهند که توضیح و تفسیر بکنم

نایب رئیس - بعد از صورت جلسه البته مناسبتر است

حائری زاده - بسیار خوب پس بعد بن اجازه بدهید صحبت بکنم

نایب رئیس - آقای کریمی فقط راجع بصورت جلسه بفرمائید

کریمی - در جلسه گذشته موقعی

که آقای وزیر فرهنگ راجع با آقای تولیت صحبت کردند بنده عرض کردم که روز عاشورا که يك روز حساسی بود و جمع کثیری در صحن مطهر حضرت معصومه جمع شده بودند آقای تولیت اجازه داده بودند بلند گوهای صحن را که مخصوص ادای يك سلسله امورات مذهبی است در اختیار يك سید دیوانه ای بگذارند که تمام مقدمات ملی و مذهبی ما بدبگوید تشنج خیلی خیلی شدیدی حاصل شود این مطالب در صورت مجلس درج نشده است و ضمناً موقع را مفتنم شمرده و يك نامه ای که از اهالی کردند رسیده است و يك صفحه از قرآن مجید را ضمیمه کرده اند برای اینکه آقایان نمایندگان با اظهاراتشان توجه کنند و ضمن آن نوشته اند که آقای امیر احتشامی فتودال معروف غرب زندگي آنها را به شان حرام کرده تقدیم مقام ریاست میکنم

نایب رئیس - آقای جلالی

جلالی - در جلسه گذشته اشتباهی از طرف بنده در عرایض رخ داده شرکت تعاونی که عرض کردم در دماوند تأسیس شده از طرف سازمان برنامه بوده و از طرف بانک کشاورزی بوده است

نایب رئیس - آقای بهادری

بهادری - در صورت جلسه گذشته بنده را جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه در جلسه گذشته از اول تا آخر حضور داشتم

نایب رئیس - رسیدگی و اصلاح میشود

۲ - طرح لایحه دوفوری ملی شدن امور مربوط به تلفن

نایب رئیس - بنظر بنده چون لایحه ای که دو فوریتش تصویب شده و مواد متعدد دارد و مفصل است امروز از نطق قبل از دستور آقایان صرف نظر بفرمائید بهتر است بنابراین وارد دستور میشوند

شمس قنات آبادی - آقای ما صحبت داریم چهار بهد از ظهر آمده ایم مجلس

نایب رئیس - کلیات لایحه دولت مطرح است

دکتر شایگان - بنده يك عرض دو کلمه ای دارم و آن اینست موقعی که بنده خواستم وارد مجلس بشوم بعضی از دوستانم بمن گفتند که يك روزنامه چیزی نوشته و آن را سایر روزنامه ها هم منتشر کرده اند چون بنده از سه شنبه مریض بودم تا امروز صبح تب داشتم و کریپ بودم همچو مطلبی نه وقوع دارد و نه صحت و نه همچو چیزی هست و نه من همچو صحبتی کرده ام (صحیح است)

نایب رئیس - کلیات لایحه مطرح است

حائری زاده - ماده ۹۰ بنده چطور شد

نایب رئیس - آخر دستور بجناب عالی اجازه داده میشود آقای قنات آبادی بعنوان

موافق مشروط ثبت نام فرموده اند بفرمائید

قنات آبادی - بنده علت اینکه در باره لایحه ملی شدن تلفن بعنوان مخالف مشروط اسم نوشته ام دلایل متعددی داشته خواستم تحت این عنوان يك مطالبی را بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم و ضمناً هم توجه جناب آقای مهندس معظمی وزیر محترم پست و تلگراف را به این موضوع جلب کنم وقتی که در مملکت يك فرصتی پیدا می شود برای اینکه يك امورات اصلاحی عنوان بشود و اصلاح بشود باید از این فرصت خوب استفاده کرد و هر امر اصلاحی که پیشنهاد میشود یا نقشه اش تهیه میشود این نقشه و این پیشنهاد ضمیمه و جامع الاطراف باشد برای اینکه دیگر نظیرش پیدا نشود و اتفاق نیفتد

اداره نشر و توزیع و چاپ صورت مجلس

این لایحه ملی کردن شرکت تلفن از نظر خود موضوع و اصل مطلب بسیار خوب است اساساً باید تمام کارهای عمومی این مملکت ملی بشود یعنی در اختیار دولت باشد دولت هم که مال مردم و مال ملت است تا این بیعدالتی هائی که تاکنون اتفاق افتاده دیگر اتفاق نیفتد همه آقایان محترم مستحضرنند که شرکت تلفن نوبی این مملکت برای دادن تلفن و برای کلاهگذاری سر مردم چند سالست جنجال و هیاهوی پیا کرده (صیحیح است) و همه آقایان نما- یندگان محترم می دانند که این تلفن هائی که در تهران آنهم باین وضع ناقص کار گذاشته شده است اغلب باشخاص صاحب نفوذ بدون حق و مراعات نوبت داده شده است و این وجهی که از اشخاص گرفته اند بعنوان سهم که بآنها تلفن بدهند در يك مدت معین اغلب سوء استفاده شده و میتوان بطور صریح گفت که این شرکت بطور ساده کلاه مردم را برداشته و البته خود شرکت مشغول نیست آن کسانی که کار- گردان و مشغول اداره این شرکتند اینها کلاهبرداری کرده اند و مال مردم را خورده- اند و این پولی که از بانک ملی قرض کرده- اند اینهم حیف و میل شده و آنطور که باید و شاید به مصرف نرسیده این لایحه ای که دولت آورده البته من در بعضی از موادش مخالفم و موقعی که موادش مطرح بشود آنجا عرایضم را خواهم کرد و لایحه را میکویم این لایحه ای که آورده اند تقریباً راجع بسوء استفاده ها و کلاهبرداری ها که در این شرکت شده مسکوت است یعنی واگذار کرده اند برسیدگی و بطوری که آقایان نمایندگان می دانند این کلمه رسیدگی شد و رسیدگی می شود و در جریب نیست و مطالبه می شود و بازرسی میکنیم و می رویم و می بینیم که پرونده امر چه حکایت میکند همه گوششان بمنای این کلمات آشناست تا حالا هزار مطلب حساس که مربوط بضبط و غارت اموال مردم بوده رفته در جریان رسیدگی و ناپود شده وزارت پست و تلگراف باید مطلب را صریحاً روشن بکند یا باید بگوید در شرکت سهامی تلفن ایران سوء استفاده شده یا نشده اگر نشده دلایل اینکه معتقد است که سوء استفاده نشده برای اطلاع نمایندگان محترم و ملت ایران بیان نمایند و اگر هم سوء استفاده شده این سوء استفاده را کی کرده مگر اشکالی داشت در جریانی که این لایحه ملی شدن تلفن تنظیم می شد باین جریان هم رسیدگی میشد یک توجه بیشتری میشد که مامجبور نشویم بگوئیم بعداً رسیدگی میشود و بعداً هزاران نفوذ و هزاران اعمال فذرت در کار می آید و جلوی این رسیدگی را سد میکند کما اینکه تاکنون هزاران مرتبه در این مملکت شده البته ما

بعین نظر آقایان اعتراف داریم اما کارنها دست خود آقای مهندس معظمی نیست برای رسیدگی یک مطلب و یک جریان هزار رشته و هزار شبهه دارد در آن رشته ها و شبهه ها است که جریان کار از مجرای اصلیش منحرف میشود بیک وقت مایه بینیم دولت شرکت تلفن را ملی کرده و داده شده باین دستگاه شکسته و زنک زده و فاسد و یک مقداری قرض مانده که باز هم باید این قرضها یعنی پول هائی که گرفته اند و حیف و میل کرده اند از جیب زارع و ملت گرسنه و بدبخت ایران داده شود این یک مطلبی است که نمی توان ازش گذشت باید روشن شود این کسانی که گرفته و سوء استفاده کرده اند کی هستند و مشغول این سوء استفاده ها کیست والا اگر بنا بشود ما این مطلب را برسیدگی در آورده مو کول بکنیم و از این مطلب بگذریم نتیجه ملی کردن تلفن هم این میشود که باید یک مقداری وام شرکت را هم بپردازیم یک مدتی اینها غارت کرده اند و حالا برای اینکه تلفن ملی شده دو مرتبه باید بجرم اینکه یک عده ای غارت کرده اند قرض آن غارتگرها را بدهید این مسئله از نظر مصلحت مملکت و وضع مردم باید روشن بشود این موضوع را آقای وزیر پست و تلگراف باید روشن بفرمایند باین ترتیب من مخالفم نه اینکه باملی کردن تلفن مخالف باشم این سوء استفاده هائیکه کرده اند و روشن نشده باید روشن شود و معلوم شود این غارتها و پول هائیکه برده اند چه شده ؟

نایب رئیس - آقای مهندس معظمی وزیر پست و تلگراف - بنده از جناب آقای شمس قنات آبادی خیلی تشکر میکنم که نسبت به این موضوع توجه خاصی دارند در این مورد نظر پست و تلگراف و تلفن هم بود است ولی من متأسفانه بایستی یک حقیقت تلخی را اعتراف کنم و آن این است که یک نظارت کامل در شرکت سهامی تلفن نداشتیم و نمی توانستیم بحساب آن خرید و فروش هائیکه کرده اند رسیدگی بکنیم (قنات آبادی - اگر تا حالا رسیدگی نشده بعداً کی رسیدگی میکنیم) برای این که اسناد و مدارکی که لازم برای رسیدگی است در اختیار ما نمی گذاشتند و ما بایستی مکاتبات زیاد میکردیم تا کوچکترین عدد ناچیزی که مورد احتیاجمان است بماند اذند و برای اینکه اشخاصیکه سوء استفاده کرده اند روشن بشود مسلم است که باید یک رسیدگی های مقدماتی بشود و اگر اشخاصی را واقفاً خاطی معرفی کنیم در صورتیکه پرونده ایشان نیست و ما رسیدگی نکرده ایم صحیح نیست و اینست که قرار گذاشتیم یک هیئتی را معین کنیم و یک ضرب الاجلی هم قائل بشویم که بروند و این پرونده ها را رسیدگی بکنند و اشخاصی که مورد تعقیب باید قرار بگیرند ما معرفی بکنند و مسلم بدانند آقای

شمس قنات آبادی اگر بنده باشم این امر با کمال شدت تعقیب خواهد شد و مسئولین امر و متخلفین را بملت ایران معرفی خواهم کرد (شمس قنات آبادی - آقایاباید توجه بفرمایند که اینکار موقعی بشود که دفاتر را نسوزانده و اسناد را از بین نبرده باشند) نه خیر همینکه قانون تصویب شد

نایب رئیس - آقای مجید زاده مشروط نام نویسی کردم و جهتش هم این است که با اصل ملی کردن تلفن موافقم زیرا یک شرکتی که نتواند از عهده تعهدات خودش بر آید و یک امر مهم ارتباطی مملکت را در اختیار داشته باشد در حالیکه نتواند کار خودش را انجام بدهد بایستی بحساب او رسیدگی بشود و این دستگاه بطور صحیحی اداره شود ولی با طرز عمل متأسفانه موافق نیستم برای چه؟ شرکت سهامی تلفن یک شرکت تجارته است یک شرکت تجارته بجز اینکه وقفه ای در پرداخت تعهداتش پیدا شد بخودی خود ورشکست میشود و نتیجه ورشکستگی انحلال است منتهای مراتب این عمل یعنی اعلام ورشکستگی بایستی قبلاً از طرف طلبکاران شرکت بعمل آمده باشد بنظر من صالحتر از همه بانك ملی است که طلبکار عهده شرکت بوده و وقتی که شرکت نتوانست قروض خودش را در سر رسید معین بیانگد ملی بپردازد میبایستی بانك ملی اعلام توقف این شرکت را کرده باشد و حالا اگر نظر باینکه توقف شرکت منجر بانحلال شرکت میشود و تکلیف دستگاه های تلفن و ارتباط نامعلوم میشود این عمل را نکرده است بموجب قانون میشود ولی در ماده ۲ این قانون نوشته شده است که تأسیسات و دارائی شرکت تلفن را پس از تصویب این قانون دولت تصرف کند بنده گذشته از اینکه هیچگونه مجوزی برای تصرف بلا شرط نمی بینم اساساً صلاح دولت نمی دانم با کیفیتی که در مقدمه لایحه خودش در فقره ۹ ذکر می کند و می گوید این یک شرکت ورشکسته است که از عهده پرداخت دیون و تعهدات خودش بر نمی آید و زرو و وبال این شرکت را بعهده بگیرد بنده عرض میکنم با شرکت بر طبق مقررات قانون تجارت عمل بکنید توقف شرکت مسلم است انحلالش نتیجه توقف معلوم است ملی کردن آنهم برای اداره کردن امور شرکت از حالا مسلم است در این تردیدی نیست ولی برای اینکه وضع شرکت معلوم شود و سوء استفاده هائی که اشخاص از شرکت کرده اند بر ملت معلوم باشد و در نتیجه متخلفین هم بدست بیایند و دولت هم باعث یک عمل نامشروعی نشده باشد بنظر بنده مطابق قانون تجارت باید عمل کرد باید دارائی شرکت معلوم بشود این دارائی که معلوم شد در درجه اول در مقابل وامی که بانك ملی دارد چون بانك وثیقه دارد اول باید طلب بانك پرداخت شود اگر چیزی از

طلب بانك باقی ماند باید سایر طلبکارها پرداخت شود و باز اگر چیزی باقی ماند بین صاحبان سهام تقسیم شود و این عمل هم بهیچ وجه منافاتی با عمل دولت در ملی کردن ندارد یعنی پس از تصویب قانون دولت دستگاهها را تصرف میکند و اداره میکند در ضمن در ظرف یک ماه یا دو ماه این دستگاه هم تقویم می شود و تکلیف دیون و صاحبان سهام معلوم میشود و اگر شرکت تلفن که ۵۰ سال در این مملکت کار کرده از عهده پرداخت دیون خود بر نمی آید چرا باید دولت دیون آنرا بر عهده بگیرد یک شرکت ورشکسته که بد کار کرده برود دیونش را خودش بدهد چرا دولت بعهده بگیرد برای اینکار مجوزی نیست مخصوصاً که ما بیائیم سر بسته بگوئیم که اموال و دارائی این شرکت و دیون و مطالباتش را بطور کلی ما بر میداریم بدون اینکه ما بفهمیم که اساساً دارائی شرکت چیست و دیونش چیست و مطالباتش چیست (صحیح است) دولت می تواند با حضور نمایندگان شرکت در ضمن اینکه شرکت تلفن را ملی می کند و در ضمن اینکه عمل می کند دارائی شرکت را تقویم کند تکلیف دیون معلوم تکلیف صاحبان سهام هم مشخص و تکلیف دولت هم در آتیه معلوم خواهد شد زیرا اگر نتوانست دولت این دستگاه را بکار بیندازد خواهد گفت ما وارث یک وضع نامطلوب بودیم شرکت سهامی تلفن هم الان وضعش معلوم نیست یعنی موضوع معلوم نمیشود و مبهم میماند خواهد گفت آقای کار ما داشت رونق میگرفت آمدند کار ما را از دست ما گرفتند من نمیدانم نتیجه اش چیست باید این دارائی شرکت تقویم بشود و سرمایه امروزش را تقویم کنید قسمت دیگر موضوع جان شین شرکت بود که باور در این قانون قید شده است که برای تأسیس و نگاهداری این دستگاه شرکتی تأسیس میشود با سرمایه ۵۰۰ میلیون ریال که عبارت از ۵۰ هزار سهم ده هزار ریالی و سهام آنهم متعلق بدولت است شرکت اصلاً یعنی اجتماع حقوق مالکین متعدد در شئی واحد اینجا دولت جان شین شرکت میشود در صورتیکه از لحاظ حقوقی بکفر دیشتر نیست فرضاً که آمدیم این سرمایه را تقسیم سهام کردیم باز تمام باسم دولت است پس آنهم شرکت نخواهد بود بنابراین بنده با اصل ملی کردن شرکت تلفن موافقم ولی با طرز عملش بشرحی که عرض کردم موافق نیستم

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف مجید زاده راجع بموضوع اولی که فرمودند دولت تمام طرق مختلف را در کمسیونهای مختلف مورد بحث و مطالعه و تدقیق قرار داده است از راه توقف اینکار میسر نبود یعنی انحلال شرکت میسر نبود اولاً

جریان طولانی داد گستری و از طرف دیگر
انجمن و توقف حق امتیاز را از بین بردن
 برداشته فرمودید وقتی که متوقف میشد
 امتیاز بحالت خودش باقی بود بنا بر این
 دولت نمی توانست اقدام دیگری بکند
 باین جهت بود که از این طریق صرف نظر شد
 اما راجع بقسمت تصرف که آنجا نوشته شده
 ماتکلیف سهام و بهای آنرا آنجا مصرح کرده
 ایم و بعضی اینکه قانون از مجلس شورای
 ملی گذشت قرار دادی که بابانک ملی
 مذاکره اش شده است باضا خواهد رسید
 و فوراً شروع پرداخت بهای سهام طبق
 ترتیبی که در قانون نوشته شده خواهیم کرد
 و مسلم بدانید که حق صاحبان سهام از این
 جهت از بین نخواهد رفت و ماحق آنها را
 خواهیم پرداخت بنا بر این تصرف ما تصرف
 بدون پرداخت بهائست و مسلماً حق آنها
 پرداخت خواهد شد یکی هم موضوع سرمایه
 شرکت است که چرا آمده ایم میخواهیم
 جانشین شرکت بشویم و دیون و سرمایه اش
 را قبل کنیم جناب عالی باید در نظر داشته
 باشید که ارتباط یکی از بزرگترین مسائل
 امروزی است و در تمام دنیا بجز یک نقطه در دست
 دولت است و دولت مکلف است ارتباط را در دست
 داشته باشد و حتی مجانی هم در اختیار عامه بگذارد
 بنا بر این مانیتوئیم ارتباط را که حتی با
 حاکمیت یک ملت توأم است در دست افراد
 بگذاریم و دستخوش هوی و هوس بگردد
 فرار بدهیم (مجدزاده - بنده هم موافقم) حالا
 آمدیم میگوئیم که ارتباط باستی دست
 دولت باشد صرف سرمایه هر شرکتی
 یکی بهای سهام آنست در بازار یکی هم
 بیلانی است که شرکت میدهد بیلانی که
 شرکت در ۱۳۳۰ تدوین کرده در اختیار
 آقایان هست این بیلان از طرف وزارت
 پست و تلگراف البته بهیچوجه رسیدگی نشده
 هر گاه هم آمده سرمایه اش را در این بیلان
 منعکس کرده و دیونش را هم منعکس کرده
 و با وجودی که اعتراضاتی باین بیلان هست
 معذک نمونه ای از دارائی این شرکت
 هست بنا بر این ما بیگدار باب نزدیم که
 بیایم اینجا بگوئیم ما چشم بسته فرض کنید
 تمام اینها را میخریم ما آمدیم متکی شدیم
 باین بیلان که خودمان هم بهش معترض هستیم
 (مجدزاده - دازائی هم شرکت اصلاً منعکس
 نیست) چرا در این بیلانی که داده اند سرمایه
 شرکت ۴۴ میلیون تومان است (نریمان -
 شاقبول دارد آقا صاحب است این ۴۴ میلیون
 تومان شاید ۲۲ میلیون باشد) عرض کردم
 که ما وارد جریان شرکت نیستیم قانوناً
 بیلانی که شرکت می دهد نماینده سرمایه
 آن است بعلاوه این قیمت سهامی است که در
 بازار وجود دارد وقتی سهمی در بازار فلان
 قیمت را دارد یعنی ارزش دارد ما هم آمده ایم
 نرخ روز را گرفته ایم منتھی برای اینکه آقایان
 صاحبان سهام تصور نکنند که ما قیلا مقدمات
 ملی کردن تلفن را فراهم و اعلام کرده ایم و
 در نتیجه یکی در قیمت سهام پیدا شده آمدیم
 قیمت یکسال قبل از این تاریخ را که این
 جریانات هم درش مؤثر نباشد قبول کردیم و

بنرخ آن روز از آنها خریداری میکنیم و
 تصور نمیکنم وقتی سهامی در بازار پابین ارزش
 باشد و ما بخریم از این لحاظ ضرر نمی کرده
 باشیم.

نایب رئیس - پیشنهادی برای
 کفایت مذاکرات رسیده قرائت میشود
 (بشرح زیر خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم در کلیات مذاکرات
 کافی است
ملک مدنی

نایب رئیس - و در همین زمینه هم
 قبلاً آقای ناظر زاده پیشنهادی داده اند
 بفرمائید.

ناظر زاده - معروف است که دیوار
 منزل شخصی خراب شد شکایت کرد از
 دیوار گفت تو که خراب میشدی حق این بود
 که قبلاً خبر می دادی دیوار گفت هر وقت من
 دهن باز کردم که شکایت کنم تو بایک مشت
 گل خواستی دهان مرا ببندی و خیال کردی
 دهان بستن جلوی خراب شدن دیوار را هم
 خواهد گرفت شك نیست هر دستگای که سرو
 صدای مردم را بلند کرد و شکایت مردم از آن زیاد
 شد بالاخره فرو خواهد ریخت اگر
 شرکت تلفن آنوقتیکه از مردم مبالغ هنگفتی
 پول و هر وقت که این ارباب رجوع
 بدیخت میرفتند آنجا آنها را راضی
 میکرد و ناراضی بر نمیگرداند امروز منتھی
 باین قانون نمیشد که همه مردم از ملی شدن
 تلفن استقبال میکنند بطوریکه دیده میشود
 مجلس بطور کلی موافق است با ملی شدن
 شرکت تلفن و از طرف دیگر چون در مواد
 این قانون آقایان میتوانند بحث بکنند و
 هر نظریه ای دارند پیشنهاد میکنند
 بنا بر این برای اینکه زود تر تکلیف
 لایحه معلوم بشود جناب آقای ملک مدنی
 پیشنهاد کفایت مذاکرات داده بودند بنده
 هم همین پیشنهاد را دادم و حالا هم عرض
 می کنم که آقایان هم اگر نظری دارند
 ممکنست ضمن مواد این لایحه پیشنهاد
 بفرمایند تا زودتر تکلیفش معلوم شود

نایب رئیس - آقای مشار مخالفید؟
مشار - بله

نایب رئیس - بفرمائید

مشار - اگر دولت و نمایندگان متفق
 میشدند بر اینکه بعداً راجع به موضوعی
 از موضوعات که بمجلس شورای ملی پیشنهاد
 میکنند مطرح میآوردند طرحشان یا تقاضای
 دو فوریت همراه نباشد خیلی کارهای ما بهتر
 مرتب میشد دو فوریت سه فوریت را بعقیده
 بنده خوبست که اختصاص بدهند فقط
 بمواقعی که خطری در مملکت پیدا میشود
 و یک لایحه بی برای آن میخواهند بگذارند
 یا یک مطالب خیلی ضروری پیدا شود که
 وقت نباشد برای نظائر اینها و در موارد
 دیگر از این مسأله کلی صرف نظر میکنند و
 فقط بیک فوریت قناعت کنند حتی اگر
 ضرورت نداشته باشد لایحه را بطور عادی

تقدیم مجلس کنند که نمایندگان وقت اینرا
 داشته باشند که در اطراف مسائل يك
 تحقیقی بکنند رسیدگی بکنند وارد شوند
 و اظهار نظری بکنند در این طرحی که
 جناب آقای وزیر پست و تلگراف آورده اند
 و بمجلس تقدیم کرده اند البته نظر ایشان از
 نظر اصلاحی بسیار قابل تحسین است
 برای اینکه شرکت تلفن يك شرکته است
 که حالا مدتهاست که ورشکست است کار
 امروز نیست چندین مرتبه هم در صدد این
 بر آمدند که بوسیله اضافه کردن آبونمان
 یا بطریق دیگری از دولت و مردم پولی
 بگیرند و در حقیقت گوشی ببرند ممکن نشد
 و البته این شرکت ورشکسته محتاج باین
 بوده که قبلاً بکارش رسیدگی شود و معلوم
 شود که چه اشخاصی مسبب این خرابی شرکت
 شده اند و اینهمه خسارت وارد آورده اند
 بیست و دو میلیون تومان پول بانك را شرکت
 تلفن گرفته و در این اقدامی که آقای وزیر
 پست و تلگراف فرموده اند این اقدام حقیقه
 از نظر اینکه بیانك خدمتی بشود بد نیست
 برای اینکه بانك حالا واقعاً بیست و دو
 میلیون پولش از بین رفته است برای اینکه
 هر يك از این مؤسساتی که شرکت دارد
 قابلیت اینکه بیول تبدیل بشود و بکسیه
 بانك برگردد نیست و معلوم نیست که بانك هم
 بچه ترتیبی و بچه وسیله ای این وام را پرداخته
 است جناب آقای مهندس رضوی هم آن
 روز که در این باب مذاکره فرمودند
 اظهار اطلاع کردند که بازرسهای بانك
 که رفتند و رسیدگی باوضاع شرکت کردند
 نظر موافق ندادند بلکه نظرشان مخالف
 بود و معلوم نیست بچه وسیله این بیست و دو
 میلیون را بگردن بانك گذاشته اند و
 تحمیل کرده اند بیانك که به شرکت بپردازد
 و همچنین پولهای دیگری هم که
 از مردم گرفته اند و حالا دولت و وزارت پست
 و تلگراف نقشی بی که پیدا کرده اند اینست
 که ۸ میلیون دیگر هم از بانك بگیرند که
 بشود ۴ میلیون و بعد بتوانند که این شرکت
 را اداره کنند بعقیده بنده اولاً که این
 پول را از بانك گرفتن اقتضا ندارد برای این
 که مادر مملکت فقط يك بانك ملی داریم که
 در این سنوات طولانی از زمان رضاشاه تنها
 کار مفیدی که در مملکت شده است همین است
 که يك بانك ملی ایجاد شده که این بانك
 بتواند کارهای مملکت کارهای مردم را مرتب
 بچرخان بیندازد (صحیح است) حالا با این
 بانك هر روز يك کارهایی معاملات مخصوصی
 میشود بانك را راحت نمی گذارند هر
 وقت بی پول میشوند هر وقت دستشان تنگ
 میشود میروند سراغ بانك الان مبالغ
 هنگفتی دولت از بانك گرفته است و همچنین
 تحمیل کرده است که بانك بمؤسسات مختلف
 نظیر شهرداری قرض بدهد باین یکی بدهد
 بآن یکی بدهد معلوم نیست چرا اینقدر
 تحمیل میشود بیانك چهل میلیون بگیرد

چهل میلیون از بانك گرفتن برای بانك واقعاً
 فوق العاده و کمر شکن است اما چه کند
 بیچاره بانك که بیست و دو میلیونش رفته
 چهار ندارد جز اینکه بیاید ۸ میلیون دیگر
 هم بدهد که اینجایک طلبی داشته باشد از دولت
 حالا دولت بپردازد نپردازد؟ ممکن باشد
 بدهد ممکن نباشد بدهد بعقیده بنده که
 ممکن نیست برای اینکه اداره کردن این
 شرکت حاضر همانطوریکه آقای وزیر پست
 و تلگراف و همینطور که آقای مهندس دکتر
 داریوش که يك مرد خیلی مطلع و بصیری
 هستند در کارهای پست و تلگراف و اینچنین
 کارها خودشان هم واقف هستند که اینکار
 واقعاً پیشرفتی ندارد يك پول بیست قرضی است
 که بایستی بدهد بگیرند تنها وسیله بشوند
 از بانك بگیرند و يك شرکتی را هم بایستی
 که جمع آوری بکنند خودشان اداره
 بکنند و پول شرکارا بدهند جز اینکه درد
 سری است کار دیگری پیشرفت نخواهد
 کرد البته مواد این درست است خوب
 تنظیم شده است از نظر حق و عدالت برای
 اینکه بيك مشت مردمی که اسهامی در دستشان
 هست حاضر شده اند که بنرخ عادلانه يك
 پولی بدهند یعنی تقریباً ۵۰ درصد یا ۳۵ در
 صد بکمیچو مبلغی بهشان می دهند یعنی
 اسهام ۵۰ تومانی ۳۵ تومان تقبیل پیدا
 می کند

نایب رئیس - آقای مشار خیلی
 مختصر مخالفتتان را بفرمائید

مشار - اگر بفرمائید صحبتی نکنم

نایب رئیس - نه خیر در کفایت
 مذاکرات طبق آئین نامه باید مختصر صحبت
 بفرمائید در مواد صحبت بفرمائید

مشار - چشم راجع بکفایت مذاکرات
 برای يك موضوعی است که آن موضوع در
 نظر همه روشن است وقتی يك موضوعی
 در نظر هیچکس روشن نیست همه اش مبهم
 است دیگر مذاکرات کجایش کفایت
 (قنات آبادی - آقای مشار در نظر جناب عالی
 مبهم است در نظر ما که مبهم نیست) در نظر
 شاهم که مبهم است خودتان بعنوان مخالف
 این موضوع را اظهار فرمودید (قنات آبادی -
 نه خیر بنده مطلبی که میخواستم توضیحی که داشتم
 دادم و خواستم که آقای وزیر پست و تلگراف
 مراعات کنند) آقای وزیر پست و تلگراف
 توضیحاتی که دادند حضرت عالی قانع شدید؟
 (قنات آبادی - قانع نشدم باید عمل کنند)
 هیچیک از نمایندگان هنوز نمیدانند که چه
 نوع عملیاتی اسباب اختلال این شرکت
 شده است نمیدانند اگر میدانند خودشان
 بیایند در پشت تریبون توضیح بدهند (قنات
 آبادی - دزدی آقا کلاه برداری پول
 از مردم گرفتند و خوردند) این کلمات همه
 اش حرف دزدی و کلاه برداری که فایده ای
 ندارد مردم اینرا نمیفهمند بایستی دولت
 این را روشن کند کار دولت غیر از کار مردم

است، البته در آخر اینکار نتیجه اش این میشود که شرکت باید منحل شود و دولت هم باید اینکار را اداره بکند برای آنکه یکی از مؤسسات بزرگ است که مورد حاجت مردم است و فقط وزارت پست و تلگراف صلاحیت دارد یک همچو مؤسسه ای را اداره بکند و مکلف است که اداره بکند. حالاً که در همه جای دنیا هر کس تلفن توی اطفاش هست با هر جای دنیا که بخواهد میتواند صحبت بکند باید در مملکت ما هم یک همچو اسبابی فراهم باشد. ولی ضمناً باید کار های دولت خیلی مستدل و غیر قابل اعتراض و خیلی مکمل باشد باید وقتی که می آیند در مجلس و یک مطلبی را بیان میکنند، این مطلب در نظر نمایندگان و پیش چشم همه مردم روشن باشد و اینجا هیچ کدامش روشن نیست. یک مطلبی می نویسند بطور کلی نفهمیدیم که این شرکت میگوید من پنجاه میلیون سرمایه دارم در صورتیکه دروغ است ندارد. پنجاه میلیون که سهز است بیست میلیون هم ندارد این مؤسساتی که شرکت دارد این سیمهائی که در خاک خوابانده باروی خیابانها کشیده اینها هیچ کدام را باین قیمت نمیشود تقویم کرد. این پنجاه میلیون پولش نیست در حالیکه دولت میخواهد خودش را آورده بکند. ه میلیون از بانک استقراض پول بکند و خودش را باینکار وارد بکند و بیفتد توی زحمت در صورتیکه امروز آوردن اسباب و لوازم خیلی مشکلات دارد. ارز نیست، هزار زحمت هست و اگر دولت مقدماً میرسد و معلوم میکرد معایب شرکت چیست و اینها را به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکرد و بعد وارد ملی شدن تلفن برای مملکت میشد شاید عیب نداشت در صورتیکه آنوقت هم توی خیلی حرفست. وقتیکه اشخاص یک کارهایی بکنند دولت خودش را بدر سر بیندازد این معنی ندارد. این خلاف اصول است البته ملی شدن نفت یک موضوع دیگری از نظر سیاست مملکت بود. از نظر اهمیت موضوع بود از نظر خسارتی بود از نظر غارتی بود که از این مملکت اجانب میکردند (قنات آبادی باید کار را از دست این غارتگرها گرفت. این شرکت نیست یکجای غارت است)

نایب رئیس - آقایان توجه بفرمایند رای میگیریم بکفایت مذاکرات در کلیات آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد. توجه بفرمائید برای اینکه وارد در شور مواد شویم احتیاج بر آئی مجلس دارد آقایانیکه موافقت بشود در مواد بپردازیم قیام بفرمایند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.

ماده اول مطرح است، ماده اول خوانده می شود.

(شرح ریز قرائت شد)

ماده اول: بموجب این قانون کلیه

امور مربوط به تلفن از تأسیس و نگاهداری و بهره برداری آن در سراسر کشور ملی می شود.

نایب رئیس - آقای ملک مدنی موافقت یا مخالف؟

ملک مدنی - موافقم

حائز زاده - بنده قیلاً اجازه گرفته بودم، بیرون اجازه گرفته بودم.

نایب رئیس - بعنوان مخالف؟

حائز زاده - بله

نایب رئیس - بفرمائید.

حائز زاده - بنده معتمد در موقع قانونگذاری در موقع قضاوت در موقع نوشتن تاریخ باید حب و بغض و نظر های جلو و عقب را کنار گذاشت و حقیقت را وارد شد در این شرکت تلفن بنده هیچوقت سهمی نداشتم و حالاً هم ندارم و فقط یک نمره تلفن است که با اسم دیگریست که هنوز هم با اسم من در دفتر وارد نشده چند دفعه هم تقاضا کردم گوش بحرف من ندادند و این دستگاه یک دستگاهی است که خیلی بد اداره میشود، در این تردیدی نیست ولی ما دنبال هوو جنجال و یک آرزوهای غیر عملی نباید برویم.

این اصل ملی شدن یک اصلی است که آرزوی هر بشری است که امور عمومی بدست هیأت مدیره عمومی باشد و باید امتیازات شخصی اشخاصی که خواسته باشند حقوق عمومی را احتکار بکنند و ارزش بهره برداری بکنند از بین برود این یک اصلی است خیلی فلاسفه هم در بین این موضوع بحث کرده اند، کتابها نوشته اند. این حکومت کمونیست اتحاد جماهیر شوروی هم روی این اصل عمل میکند، یک قسمتهایش را موفق شده و یک قسمتهایش موفق نشده.

این اصل در مملکت ایران هم از نظر اسلامی هیچ مانع و محظوری ندارد چون این مملکت را قشون اسلام فتح کرده و این اراضی مشترک است ما بین تمام مسلمین این املاک، این کوهها، این رودخانهها و همه کس مالک هر قسمتی است که آباد کرده است. دسترنجش را مالک است هر کس هر قسمت را آباد کرده.

حالا در طرز اداره مملکت که با اصول ملی تمام قسمتهایش را ما بخواهیم اداره بکنیم باید برویم روی وسایل کار خالصجات یکی از قسمتهای اموال عمومی مملکت بود. عقلای قوم نشستند و گفتند چون دولت که نماینده هیأت حاکمه است یعنی هیأت حاکمه که نماینده جامعه است و وسایلی که بتواند املاک را حداکثر استفاده را ازش بکند ندارد، آمدند فروختند. حالاً هم باز صحبت است که خورده مالک درست بکنند. عمده مالکها از بین بروند ولی خورده مالک باید طوری باشد که هر شخصی هر قدری که بتواند برای یک آبادی کوشش بکند،

صاحب آب و خاک باشد و برود آباد کند صحبت این نیست که دولت اداره کند که ملی باشد و مردم کارگر و مزد بگیر باشند همچو صحبتی نیست. چرا نیست؟ برای اینکه سالهای دراز امتحان شد که اگر بطور ملی یعنی بطوریکه دولت خودش خواسته باشد املاک را اداره بکند، برای مملکت کمتر منفعت پیدا می شود پس باید که این املاک را تقسیم بکنند بین اشخاصی که اشخاص برای منافع شخصی خودشان بیشتر کوشش بکنند و آباد بکنند. پس این هوو جنجال این که ملی یعنی این که دولت اداره بکند بی مورد است مگر در یک موارد اضطراری مثل اینکه در مورد نفت ما اینکار را انجام دادیم. ما آمدم سیاست خارجی در این مملکت بقدری ریشه دوانده و بهانه قوانین جاری مملکتی و حق امتیازی که دارد از همان راهی که خود انگلیسها رفته بودند و نمی توانستند اعتراض کنند و بعضی از صنایعشان را ملی کرده بودند ما هم از همان راه رفتیم. این دلیل این نمی شود که در تمام مؤسسات ما از همان راه برویم و اینجا یک شرکت ملی خواسته باشیم درست کنیم، یک محظور و اشکالاتی بر میخوریم.

آقایان اغلب ممکنست که در شرکت ها سهامی داشته باشند یا اگر نداشته باشند در قوانین تجارت راجع به اصول شرکت سهامی مطالعاتی داشته باشند بیلانی که شرکتها میدهند قیمت روز را راجع به اموال غیر منقولشان حق ندارند بنویسند اینها قیمت خرید یا قیمت روز هر کدام کمتر هست باید بنویسند بانک ملی سرمایه اش ۵۰ سی میلیون تومان بود (که بعد دو سیست میلیون تومان است) ولی حالا آن ذخایرش آن ملحقش اینها را که ضمیمه کردند دو سیست و کسری شد یکی از هیأت مدیره هر روز آورده بود پیش من، من بهش گفتم بیلان شما که نشان میدهد فلان مبلغ سرمایه دارید گفت این بیلان را من در یک مورد بشما نشان میدهم که آنچه در بیلان هست و آنچه حقیقت خارجی است. دو تا است و آن اینست که این عمارتی که در دستگاه مرکزی ما در آنجا هست در خیابان اکیاتان این عمارت تنهارا شکرانی نامی هست که آن را یک میلیون و پانصد هزار تومان حاضر است بخرد این عمارت را وقتی مربوط بکار تلفن نباشد چون در مجلس است که موقعیتی دارد یک همچو قیمتی حاضر است بخرد در صورتیکه ما تمام اموال غیر منقول خودمان را ۷۶۲۱ ۵۱۴ ریال بکلیه بنا و ساختمانهایمان در بیلان نوشته ایم بقیمتی که زمینش خریداری شده و ساختنش تمام شده. در صورتیکه منحصر نیست باین ساختمان مرکزی در خیلی جاها ما ساختمان داریم و اگر همین زمینها و عمارات و اموال غیر منقولی که داریم اگر آنها را تکلیف بخریم و بفرشیم و اگر اذیت نکنند دولت با فروش این پولهایی که از مردم گرفتیم همه اش را

می دهیم و سهام را هم اگر فلان مبلغ هست اگر تومانی دو قران اضافه تر ندیم کمتر نمیدهم این را یکی میگفت من نمیدانم چون اطلاعی هم از اوضاع داخلی آنجا ندارم عرض من اینست که برای ملی شدن لازم نیست که دولت برود پنجاه میلیون تومان از بانک اعتبار بگیرد یک مقدارش یک اموالی از آنها بردارد یک مقداری هم فروض آنها را تعهد بکند که نه آنها راضی باشند آن پیرزنی که یک سهم دارد میگوید اگر اسباب را حراج بکنند سیمی که سی شاهی خریده شده امروز سه قران چهار قران قیمتش است این زمینی را که آن روز متری ۵۰ قران خریده اند امروز متری ۵۰ تومان قیمتش است من موافق نیستم که ما بیاییم حقوق اشخاص را تضییع بکنیم این کمپانی یا ورشکست شده است یا حقیقتاً دارد این اندازه روشن است که عاجز است از اداره کار و نمیتواند اجتناجات تلفنی این مملکت را مرتفع بکند یک گیر امتیاز است آنرا هم معتقد هستم که امتیاز اینها لغو شده است برای اینکه شرایطش را اجرا نکرده اند منتفی شده است هیئت مدیره شان آمده بودند پیش من من گفتم که این بازی امتیاز را دیگر نمیشود دست آور بکنید از آن صرف نظر بکنید و انا تابه اش را بفرشید گفتند حاضریم رسماً بنویسیم که ما از این امتیاز شرکت تلفن چشم پوشیدیم، صرف نظر کردیم و قروضمان را خودمان میدهم مطالباتمان را خودمان وصول میکنیم شرکت را خودمان اداره میکنیم دولت ۵۰ میلیون، ۴۰ میلیون هر چه میخواهد خرج بکند برود تأسیساتی بکند ما مانع این نیستیم که دولت برود تأسیسات بکند ما نمیگوئیم که تلفن در امتیاز ماست چرا کردید؟ دولت در جاهای دیگر هم دخالت کرده در دوره ای که متفقین بودند دولت آمد یک سیمی کشید این سیم که زمان جنگ کشیده بودند این می گوید اگر ما امتیازمان محترم بود آنهم مال ما بود ما بایستی حتماً دخالت داشته باشیم ما چیزی نکفتم ما حرفی نداشتیم که امتیاز ما لغو شود من اصل را موافقم که دولت برای آبادی مملکت که یکیش رشته تلفن و تلگراف هست یکی پست هست، سایر قسمتها هست باید یک نقشه های مشروح و مفصلی داشته باشد برای این مملکت قدم هائی بردارد فکر بکند که این شرکت تلفن نیست، این شرکت مرده وقتی از حیث امتیاز مزاحم نباشد دولت کار خودش را میکند. حالاً با از بانک ملی پول قرض میکند یا به مردم سهامی میفروشد پولی میگیرد یا بانک حیاتیهای خارجی می آیند یک تأسیساتی میکنند در ظرف ۱۰ سال یک تأسیساتی میکنند و پولشان را میگیرند و میروند و یک سرمایه خارجی را می آورد در این مملکت هر طریقی که اصلح هست دولت برود عمل بکند. این شرکت را مارفتی مرده فرس

کردیم دولت هر چیزی را لازم دارد برود ازش بخرد. عمارتش را لازم دارد ازش می خورد. دستکشش را لازم دارد ازش می خورد. هر کدام که نه و فرسوده و باطل هست و لاش میکند می رود از یک مملکتی که ارزانتر می دهد می خورد و وارد می کند. این چه لزومی دارد که ما باینجا اینجا بدنامی را قبول بکنیم که صاحبان سهام هم بگویند که حق ما را دولت غصب کرد و برد و مردم هم تراضی شوند. در اداره بعدیش هم نمی دانم که آیا بهتر از حال می شود یا بدتر از حال می شود. در ماده اول بنده بیشتر از این عرضی ندارم تا بعد در مواد بعدش هم در تمامش من صحبت میکنم.

نایب رئیس - آقای ملک مدنی
 زاده اینجا دو مطلبی را فرمودند که اتفاقاً هر دو سه موضوع را در این لایحه خود دولت پیش بینی کرده و خوشبختانه توجه باین دو سه مطلب اساسی داشته حالا بنده توضیحاً عرض می کنم که رفع ابهام و شبهه از ایشان بشود. در اینکه مدت ها است مردم توجه دارند باینکه شرکت تلفن خوب کار نمی کند و احتیاجات مردم را تأمین نمی کند و مردم شکایت می کنند گمان میکنم محل تردید نباشد زیرا که خود جناب آقای حائری زاده هم اعتراف فرمودند اینجا که شرکت خوب کار نکرده. در دنیای امروز تلفن و ارتباطات یکی از وسایل اولیه زندگیست (صحیح است) همینطور که امروز ما فرض بفرمائید که احتیاج داریم از نظر نان و گوشت و این احتیاجاتی که در کشور ما از قدیم معمول بوده مورد توجه دولت ها بوده و امروز هم موضوعی که در کشورهای متمدن طرف توجه است، ارتباطات است، برق است، وسایط نقلیه است اینها یک چیز هائیکه نیست که نمی شود منکر شد. اینها را دولت باید تحت نظر خودش بگیرد. البته دو چیز در اینجا مورد بحث است. یکی اینکه دولتها همه کارها را در دست بگیرند و خودشان اداره کنند که این اصل ملی شدن و ناسیونالیزه شده است. یکی اینکه خیر آزاد باشد و دست مردم باشد. همینطوریکه جناب عالی فرمودید بنده هم معتقدم که آن چیز هائی که ضرورت ندارد دست مردم باید باقی باشد خود مردم بکنند. اما یک قسمت هائی است که ارتباط با کار دولتها دارد مثل تلفن و پست و وسایل ارتباطات که چیز است که در ایام صلح و موارد دیگر، دولت باید نظارت و کنترلی در آن داشته باشد. متأسفانه شرکت تلفن نتوانسته در این مدت این را تأمین کند ارتباطات را درست کند. الان فرض بفرمائید که اگر یکی از آقایان بخواهد با اصفهان صحبت کند وسیله ای برایش فراهم نیست. اما اگر با آمریکا یا لندن یا ژنو سوئیس صحبت کنند از همین طریق

خودش می تواند صحبت بکند ما الان در داخل مملکت خودمان همان کرمان یکی از بزرگترین استانها و ایالات ما است هیچ جور وسیله ارتباط نداریم. ارتباط و وسایل ارتباط داشته یکی از بزرگترین وسایل پیشرفت تمدن بشر است. الان همین دستگاره را دیو بزرگترین قدم را برای پیشرفت تمدن بشر بر میدارد. متأسفانه دستگاره شرکت تلفن حالا هیأت مدیره اش همانطور که گفتند یا افراد دیگری بدعمل کرد عدم رضایت مردم را ایجاد کردند، حالا گذشته از این، مقداری پول مردم را گرفته اند و یک مقداری هم پول بانک ملی را گرفته اند همین مطلبی که الان حضرت عالی فرمودید شاید یکی از عللی که ایجاد میکند که دولت این مؤسسه را بر نظر خودش بگیرد و ملی کند و درست کند و اداره کند همین موضوع ۲۲ میلیون تومان است که از بانک ملی گرفته شده اگر اینکار را نکند ۲۲ میلیون تومان که پول بانک ملی و پول مردم و پول دولت است از بین می رود جناب آقای مهندس معظمی وزیر محترم پست و تلگراف در موقعیکه این لایحه را به مجلس تقدیم میکردند اشاره باین مطلب فرمودند و در مقدمه لایحه هم اشاره شده بنابر این ضرورت ایجاد میکرد که از جهات مختلف دولت در اینکار اقدام بکنند اولاً تأمین احتیاجات مردم در درجه اول. مردم از دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق انتظار دارند یک تغییری در اوضاع بدهند و آن چیز هائی که مورد احتیاج عامه است تأمین بکنند نه اینکه همانطوریکه اشاره شده هر کس قادر است توانائی دارد و نفوذ دارد یک رشته تلفن در دست داشته باشد اما آنکسیکه میخواهد کسب کند کار بکند خانه اش از مرکز شهر دور است از نعمت داشتن تلفن محروم باشد. شهر تهران را ملاحظه میفرمائید که چقدر توسعه پیدا کرده آن مردمیکه در دور دست ترین نقاط این شهر سکنی دارند و مردم زحمتکش و کارگر و مفیدی هم هستند آن ها هم باید از تلفن استفاده بکنند آنها هم احتیاج ب تلفن دارند منحصراً بیک عده معدود و معینی نباید باشد باینکه شرکت تلفن مساعده گرفت پول گرفت معذرت نتوانست تأمین احتیاجات مردم را بکند (صحیح است) و این اقدامی که بنظر بنده دولت و وزارت پست و تلگراف کرده است یکی از بهترین اقداماتی است که دولت فعلی کرده البته یک موضوعی که جناب آقای حائری زاده فرمودند در لایحه دولت پیش بینی شده دولت قصدش مصادره اموال مردم نبوده که اگر بکنند پیری و یا یک صغیری سهمی در این شرکت تلفن دارد سهم آن تزییع شده باشد بنظر بنده لایحه با نهایت دقت و مطالعه تهیه شده و طوری تهیه شده است که حقوق اشخاص صاحب سهمی که گناهی نداشته و بامید اینکه یک شرکت تلفن هست و این سهام اودارای اعتبار است خرید

کردند حق اولاد بنظر بنده ضماً هم قید کردیم که چنانچه من در طی رسیدگیها دیدم که حیف و میل هائی شده است و یکسوء استفاده هائی شده باشد بطوریکه اشاره شد و بعضی از ناطقین محترم اینجا در آن مورد بیاناتی فرمودند اینجا پیش بینی شده که آن اشخاص خاطی و متخلف مورد تعقیب واقع میشوند بنا بر این این لایحه است که دولت تهیه کرده بنظر بنده یک لایحه جامع و مفیدی است و ما باید سعی کنیم که هر چه زودتر این لایحه را از مجلس شورای ملی بگذرانیم که وزارت پست و تلگراف زود تر بتواند مشغول اینکار بشود. آقای مردم امروز انتظار دارند که با حرف نگوئیم ما یک ملت مترقی هستیم بلکه باید عملاً خود را مترقی نشان بدهیم و احتیاجات مردم باید تأمین بشود و یکی از احتیاجات اولی بطوری که عرض کردم موضوع تلفن است و غیر از اینکه ملی بشود و در دست دولت باشد از راه دیگر مقدور نبوده است. بنده بخاطر دارم یک مقدمه دیگر هم شاید آقایان در نظر داشته باشند دولت خرید سهام شرکت را (وزیر پست و تلگراف در مقدمه قید شده است) شاید جناب آقای مهندس داریوش در نظرشان باشد دولت در زمان پیش آمد سهام اینها را خرید بازتشت کرد و در نتیجه دولت ارفاق کرد و واگذار نمود بخودشان و باز نتوانستند از عهده اش بر بیایند. آقایان یک کار اساسی و مهمی است و حتماً باید یک سازمان صحیحی باشد و بقیده من چون یک شرکت سهامی است ما نمی نماند و وقتی که این کار رو بر راه شد اشخاصی که بخواهند بتوانند سهام آن را خریداری بکنند الان این بانک ملی که جناب آقای حائری زاده اشاره فرمودند که سرمایه اش ۳۰ میلیون تومان بوده است درست است و الان هم شده است ۲۰۰ میلیون و شاید در حدود ۵۰۰-۶۰۰ میلیون هم بیشتر باشد چون یک ذخیره ها و سهمیه هائی دارد که خیلی زیاد است اینهم یک شرکتی است و یک سرمایه ای دارد اگر کسی بخواهد برود سهامی از بانک ملی خریداری کند مانعی ندارد برود بخرد و بواسطه اینکه مردم زیاد باید دستگاره های دولتی اعتماد نداشته اند تا کنون این توجه برایشان نیامده که بروند اگر سرمایه هائی دارند از این سهام شرکت های ملی خریداری کنند بنظر بنده باید ایجاد این اعتماد و اطمینان را هم همانطوریکه عرض کردم خوشبختانه در این لایحه پیش بینی شده چون دولت نباید عملش طوری باشد که ایجاد عدم اطمینان کند و اگر هم قدم هائی برای اصلاحات بر میدارند قدم های اصلاحی باید تطبیق با افکار مردم با زندگی عامه داشته باشد یعنی اگر چنانچه یک روشی لازم شد تقسیم املاک چون آقای حائری زاده فرمودند اگر دولت قدم هائی بر می دارد باید قدم های

اساسی و اصولی و صحیح بردارد هیچکس مخالف نیست که اصلاحاتی در این مملکت بشود بنده مکرر در اینجا و هم چنین در جلسات خصوصی که آقایان شاهد هستند عرض کرده ام که من طرفدار یک اصلاحاتی هستم چه در قسمتهای آب و زمین و ملک و قواعد و اول بین زارع و مالک و چه در سایر قسمت های دیگر. اما اگر چنانچه این قدم های اصلاحی را برداریم خودمان را از خیلی از مضرات دور می کنیم و اگر نکنیم مضرات دامنگیر ما میشود (احسنت) چون من معتقدم که بیاری خداوند متعال یک طلبه سعادت و خوشبختی برای ملت ایران بیدار شده است (انشاء الله) و اینکارها هم هر کدام بنوبه خودش با یک مطالعات عمیق و دقیقی انشاء الله انجام میشود بنا بر این بنده برای اینکه وقت آقایان را تکثیر بیشتر از این عرایضی نمی کنم و تصور می کنم هر چه زود تر باید سعی کنیم که این لایحه را از تصویب مجلس بگذرانیم و انتظار داشته باشیم که جناب آقای مهندس معظمی و دستگاره وزارت پست و تلگراف این اقدامی را که برای آسایش مردم و رفاه عامه شایسته است انجام بدهند البته همانطوری که جناب آقای قنات آبادی فرمودند اگر در طی رسیدگی اشخاص خاطی بودند بایستی اشخاص خاطی را معرفی کنند که دیگر انشاء الله این تخلف و خطا کاری از کشور ما دور شود و این معمول گذشته از بین برود

نایب رئیس - پیشنهادی برای کفایت مذاکرات در ماده اول رسیده که قرائت می شود

(شرح زیر قرائت شد)
 اینجانب پیشنهاد می نمایم بعد از صحبت بکنفر موافق و بکنفر مخالف بکفایت مذاکرات در ماده اول رأی گرفته شود که بد

نمایندگان - مخالفی نیست
اخگر - بنده مخالفم
نایب رئیس - آقای که بد

که بد - بنده پیشنهادی که برای کفایت مذاکرات ماده اول دادم مسلم است و گمان نمیکنم هیچک از نمایندگان محترم مخالف باشند که شرکت تلفن ملی بشود بنابراین اگر پیشنهاداتی آقایان دارند یعنی پیشنهاداتی اصلاحی دارند در مواد بدهند والا در اصل ملی شدن مخالفی نیست بنابراین بنده خواستم تمنی بکنم که آقایان بکفایت مذاکرات رأی بدهند و اگر هم نظریاتی دارند در مواد پیشنهاد بدهند

نایب رئیس - آقای اخگر
اخگر - علت مخالفت بنده اینست که با اصل موضوع مخالفتی نبود و رأی هم دادیم ولی مطلب اینست که در اینجا چند جور کار دولت بخواهد بکند یکی اینکه یک شرکتی را ازین تصرف آنها خارج میکند و تصرف میکنم، یکی مالینی

از بابت سهام به نرخ سال قبل به آنها پول میدهد در اینجا البته دو مطلب ممکن است پیدا شود یکی اینکه این پول را چگونه باید بابت قیمت سهام به نرخ سال پیش میخوایم بدهیم آیا حقیقه قیمت سهام یکسال پیش در بازار بمقدار سرمایه ای که این شرکت دارد در دست دولت میآید یا نه؟ بیشتر است یا کمتر است؟ این مطلب یک مطلبی است که محتاج دقت و تعمق است امروز صبح که بنده میآمدم اینجا یک بیلابنی از طرف شرکت تلفن به بنده دادند که هنوز فرصت نگرفته ام بخوانم. اگر بنا باشد ما بیایم یک شرکتی را اینجوری تصرف بکنیم این درست نیست شرکت تلفن بسیار بد کار کرده و بایستی ملی هود ولی آیا بایستی که یک دستمزد و یک هدیه ای هم بشرکت بدهیم بعنوان اینکه سرمایه ای نداشته و دولت بیاید ۵۰ میلیون بدهد اینکه درست نیست بنده معتقدم چون در اصل موضوع یعنی ملی شدن موافقت شده اجازه بفرمائید این موادی که در لایحه دولت هست با دقت رسیدگی شود که روی عجله و اضطراب بهمداء اسباب اشکالی فراهم نشود اگر دوازده روز درش صحبت بشود عیبی ندارد

نایب رئیس - آقای اخگر جناب عالی باماده اول مخالفت داشتید؟ این مطالبی که میفرمائید مربوط بکفایت مذاکرات نیست، مربوط باماده اول است

دکتر سنجابی - ماده اول همان اصل است

اخگر - چون در ماده اول راجع بکلیات هم میشود بحث کرد اینستکه بنده با کفایت مذاکرات مخالفم چون همین ماده اول هم میگوید کلیه امور مربوط به تلفن از تأسیس و نگاهداری و بهره برداری آن در سراسر کشور ملی میشود در چه تاریخ؟ معلوم نیست ماده دوم هم میگوید که مادر ظرف یک ماه تصرف بکنیم اینهم درست نیست منظور بنده اینستکه ما موافقیم اینکار انجام شود ولی با دقت و رسیدگی کامل این ترانزنامه ای هم که شرکت تلفن داده اینرا باید دقت کرد خواند و فهمید و روی دقت و مطالعه نظر داد والا اگر با عجله ما بیایم یک کلیه را بکنیم ممکن است که فردا یک اشتباهی بشود و اسباب زحمت بشود بهتر اینستکه ما مذاکره در کلیات راجع رأی داده ایم کافی است و در ماده اول میشود در کلیات صحبت کرد اجازه بدهید در ماده اول بیشتر صحبت شود بیشتر روشن بشویم و با فهم و اطلاع کیآمل رأی بدهیم بیخود چه عجله ای داریم بکنیم؟

شمس قنات آبادی - جناب آقای اخگر این ترانزنامه شرکت تلفن هم مثل ترانزنامه شرکت سابق تلف است **اخگر** - بله قربان چه فرمودید؟

شمس قنات آبادی - عرض کردم این ترانزنامه قبلی است **اخگر** - مگر من گفتم درست است؟ عرض کردم بخوانیم ببینیم کجایش درست است کجایش درست نیست **نایب رئیس** - بکفایت مذاکرات در ماده اول رأی گرفته میشود آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد و چون در ماده اول پیشنهادی نرسیده بنابراین بخود ماده اول رأی گرفته میشود و قبلاً یکمرتبه ماده اول قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۱ - بموجب این قانون کلیه امور مربوط به تلفن از تأسیس و نگاهداری و بهره برداری آن در سراسر کشور ملی میشود **نایب رئیس** - آقایانیکه با اینماده موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده دوم مطرح است (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲ - دولت مکلف است در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن را تصرف نماید.

نایب رئیس - آقای حائری زاده مخالفید؟ (حائری زاده - بلی) بفرمائید

حائری زاده - دولت دستگاه تلفن باسیم و بیسیم را مثل دستگاه تلگراف که خود دولت انحصار اداره میکند و تلگرافهای خصوصی فعلاً در ایران نیست و بیشتر بود و ضبط کرد هیچ عیبی ندارد دستگاه تلفن را هم خود دولت اداره بکنند مجلس هم رأی داد کسی هم مخالف این امر که دولت خودش این دستگاه را اداره بکند گمان نمیکنم باشد.

نایب رئیس - آقای حائری زاده بنده خواستم تذکر خدمتتان عرض کنم که ماده اول شامل کلیات هم میشود و راجع بکلیات هم صحبت شد در ماده دوم راجع بخود ماده صحبت بفرمائید

حائری زاده - صحیح است مربوط بهمین ماده است این تأسیساتی را که دولت میخواهد خودش اداره کند چه لزومی دارد که برود دارائی مردم را ضبط بکند؟ چه لزومی دارد حالا که شما ۵۰ میلیون تومان پول میخواهید از بانک بگیریید تأسیسات بکنید چرا یک عمارتها یک تولهائی در خیابانها یک سیمکشهای کابل سیم مقرره آشغال که یک کمیانی دارد و کانهای دیگر هم نظایر اینها را دارند میخواهید بخرید؟ هر مقداری از اینها که مورد احتیاج شماست بروید بقیمت عادلانه خریداری بکنید دیگر داعی ندارد بگویند آمدند دارائی ما را ضبط کردند و هر کدام از دارندگان سهام هم که یک سهم سه تومانی دارند بگویند اگر در از اینمان را بفروشیم پانصد تومان از این یک سهم عاید ما میشود چرا یک همچو

دردسری درست بکنیم؟ و چرا ارت یک کمپانی را ضبط بکنید که او هم ناراضی باشد یک چیزهایی این کمپانی دارد که در دولت برای اداره تلفنش میخورد مثلاً در تهران زیر خیابانهایش رفته اند مجاری درست کرده اند و سیم کابل کشیده اند در چاهائی گذاشته اند خرج کرده اند دولت اینها را باید داشته باشد اگر بخواهد تلفن بیسیم داشته باشد البته محتاج این چیزها نیست آنها را نمخورد ولی اگر بخواهد تلفن باسیم داشته باشد و کابل بکشد محتاج است آنها را بخرد کارشناسهای می آورد معلوم میکند که مخارج اینها امروز اگر دولت خواسته باشد تهیه بکند چقدر است تخفیف هم ازش میگیرد و میخرد عمارتهائی دارند اگر دولت لازم داشته باشد بقیمت عادلانه میخرد لازم نداشته باشد نمخرد خودش شرکت برود مغازه بکند بفروشد شما چرا تمام اموال او را ضبط کنید که خودش ناراضی و بیگانه برای دولت باقی بماند که اینکارها را اداره بکند این هیچ لزومی ندارد بنده یک پیشنهادی هم در اینموضوع نوشته ام پس اینکه مذاکرات در این ماده کافی شد این پیشنهاد را تقدیم میکنم و پیشنهاد من هم همین است که شما آنچه لازم دارید مکلفید تا شش ماه مهلت مهندسین بروند ببینند دارائی کمیانی تلفن سابق را رسیدگی بکنند چیزهایی که بدرد شما میخورد آنها را قیمت کنید و بردارید و هر چیزی که بدرد شما نمیخورد خودش برود و ببرد دکان او را قچی حراج کند و بفرودد چرا در بسته قرض او را مطالبات او را خانه و زندگی او را میخواهید ضبط کنید بدون آنکه قیمت واقعی شده باشد حقیقت امر پیش ما مجهول است اومی گوید من تمام ساختمانها را توی این بیلان یا صد هزار و کسری تومان نوشته ام در صورتیکه یک ساختمانش که همان ساختمان عمارت مرکزی است مشتری می آورد که جلوی شما بیست میلیون و پانصد هزار تومان بخرد این حرف را او با راست میگوید بیدار دروغ می گوید ولی این حرف او حسابی است بایستی قبول کرد

نایب رئیس - آقای حائری زاده اکثریت نیست تأمل بفرمائید (پس از لحظه ای اکثریت حاصل شد) بفرمائید

حائری زاده - اینجا نوشته شده است دولت مکلف است در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن را تصرف نماید یک مقداری اموال آنها دارند که بدرد دولت میخورد ولی چرا اجازه نمیدهید یک مشت اشیاء اسقاط و پیربطی که یک شامی فایده بحال دولت ندارد اینها را بعنوان دارائی آنها دولت ضبط بکند این دارائی باید برای خودشان او یک مقدار اموالی دارد که بدرد دولت اگر خواست دستگاه تلفن را بکند ممکن است بخورد آنها را دولت

بخرد ولی سایر کارهای شرکت با خودش قروضش با خودش پول صاحبان سهام با خودش دولت تمهید اینکارها را بکند من نمیدانم که این شرکت باقی دارد یا اضافه دارد درده پانزده سال پیش یکمده صاحبان سهام بمن نمایندگی دادند که در هیئت عمومی شان حاضر شوم یک تاجری بود آنهم سهامی داشت آنروز بمن میگفت که اگر این امتیاز ما ول کنیم و این اموال را بفروشیم تومانی سه چهار تومان عاید ما میشود (وزیر پست و تلگراف - آقای حائری زاده بیخود میگفت) حالا دروغ میگفت نمیدانم آن مردک آنروز که در جلسه عمومی برای انتخاب هیئت مدیره حاضر شده بود یک تاجر هندوستانی سیک بود و سهام زیادی هم داشت اظهار میداشت که این شرکت خوب اداره نمیشود و عایدانش بدرد اداره اش و توسعه تشکیلاتش نمیخورد و میگفت که مؤسساتش را بفروشد و پولش را بردارد و برود و بمن می گفت که شما که نماینده بعضی از صاحبان سهام هستید کمک کنید اصلاح امتیازات شرکت ول کنید و از دست دولت راحت شویم و این تیرو تخته و زندقیمان را بفروشیم اگر ۵۰ تومان سهام ما ارزش دارد ۶۰ تومان بیشتر عاید ما میشود آن مردک اینجوری میگفت حالا درست میگفت یا دروغ من نمیدانم در اینکه هیئتهای مدیره ای که بودند بد اداره کرده اند من تردیدی ندارم و باید دولت برای تعقیب آن هیئتهای مدیره ای که اینجا را بد اداره کرده اند اقدام کنند این یک موضوعی است که باید از آقای وزیر داد گستری بخواهیم که تعقیبشان بکنند که چرا یک چیزی که جنبه عمومی داشته و اموال مردم را بدست گرفتند و برخلاف منافع صاحبان سهام عمل کرده اند این را باید تعقیب بکنند و این یک چیز علیحد است و ربطی باینموضوع ندارد موضوع خیانت و مسامحه آنها موضوعی است علیحد دیگری موضوع وصول مطالبات دولت است یعنی مطالبات بانک ملی است یعنی بانک ملی ۲۲ میلیون تومان از آن شرکت طلب دارد صاحبان سهام تلفن هر کدام یک مبلغی پول از شان رفته قرض کرده اند و وصول این مطالبات هم دوسه اش علیحد است چرا دولت بیاید تمام این اشغالها را قبول بکند و این قروض را هم قبول بکند شما وقتی این اشغالها را قبول کردید باید تمام پول بانک را بدهید و این اشخاصیکه نمره تلفن دارند ششصد تومان یا هزار تومان از اینها مساعده گرفته اند پول اینها را هم بهشان بدهید تا تلفن را مرتب و منظم بکنید تا کارشان راه بیفتد ولی شما چکار باین چیزها دارید خود شرکت از فروش این اموال اگر میشود تومانی تومان طلبکارها میدهند مگر طلبکارانی که تقدم دارند که اموال شرکت وثیقه است بیش آنها مثل بانک که دارائی شرکت تلفن را وثیقه

گرفته و ۲۲ میلیون تومان فرض داده بعد از پرداخت طلب بانک و بازادش را هم به سایر طلبکاران میدهند و هر چه زیاده باشد صاحبان سهام بین خودشان تقسیم میکنند این کار را خودشان میکنند دلسوزیشان بیشتر است و بهتر برای جواب طلبکارهای خودشان کوشش میکنند اگر دولت بیاورد دارائی شان را در دست بگیرد هر خائنتی کرده اند مالیده میشود بگیرند ما بنا بود تومانی تومان منافع بدهیم چنین بکنیم چنان بکنیم دولت آمد از دست ما گرفت خراب کرد حالا پولهای مردم سوخت شد با این عمل شما آنها را نجات میدید و دولت که نماینده جامعه است فلان پیر زنی که مالیات میدهد فلان کارگری که دارد هملگی میکند و مالیات میدهد تا بیک فنجان چائی میخورد شما آن عوائذ را دارید خرج اینکار میکنید من میگویم که شما اینکار را نکنید شما هر چه لازم دارید از اموال اینها که بدرد تأسیسات شما میخورد بقیمت روز مثل اینکه از بازار میخرید اینها را هم بخرید من عوض این ماده دوم یک پیشنهادی داده ام که دیگر دوبرتبه نمیآیم توضیح بدهم حالا توضیح میدهم ..

نایب رئیس - در موقع طرح پیشنهاد بفرمائید .

حائری زاده - آنوقت دوباره بایستی بیایم **دکتر سنجابی** - پنج مرتبه دیگر هم میشود این موضوع را تکرار کرد **حائری زاده** - من نمیخواهم دو مرتبه تکرار بکنم و مثل آقا هم جوان نیستم و هوس پشت تریبون رفتن را هم ندارم فقط میخواهم بجامه بفهمانم ...

وزیر پست و تلگراف - اینرا هم بفرمائید که ۵۰ سال وقت این مملکت را تلف کرده

حائری زاده - تقصیر دولت است که تعقیب نکرده و حالا هم شما تقصیر دارید که سکوت میکنید و اینها را تعقیب نمی کنید و حالا هم میآئید پولشان را میدید و میگوئید بفرمائید من این رویه شمارانی پسندم اموال شرکت دوسیه علیحده ای دارد وصول مطالبات یک دوسیه ای دارد شما از اموال این شرکت هر چه بدردتان می خورد بخرید پولش را بشرکت ندهید بدهید بیانک تا این ۲۲ میلیون تومان طلب بانک صاف بشود و هر چه لازم ندارید چرا شما پولش را قبول میکنید و چرا پول صاحبان سهام را قبول میکنید و یک عده پیرزن و بیچاره را میبندد از بدبختی خودتان و فریاد بکنند که دارائی ما را دولت رفت و ضبط کرد شما از طرفی پول مملکت را خرج اینکار می کنید و از طرفی بدنامی و بدبختی هم برای هیت جا که ایجاد میکنید من پیشنهادم اینست که شما آنچه لازم دارید از

اموال موجود شرکت که بدردتان میخورد برای تأسیسات بعد از آنرا بقیمت روز بخرید بقیعت کنید و پولش را بدست خودشان ندهید بدهید اول بدست طلبکار مقدمش که بانک است بقیه اش را خودشان بروند حراج کنند بفروشند هر کاری که میخواهند بکنند شما چرا میخواهید بضرر مملکت و از یک دستکاه فساد می شود و فاسد را تعقیب نکنید اینها هم توی کوچه راه بروند شما دستور بدهید بدادستان آنها را که حقوق عمومی را تضییع کرده اند تعقیب بکنند مجازاتشان بکنند بدردشان را هم در بیاورند . آن دارائی مردم هم که در دستشان هست شما آن قسمت را که لازم دارید بقیمت عادلانه بخرید و آن بقیه را هم که بدردتان نمی خورد هیت تصفیه ای معلوم می شود و فروش میکنند بطلبکارهای می دهد چرا برای خودتان زحمت ایجاد میکنید و یکمشت اشخاصی که فساد هم کرده اند آنها را صورت حق بجانیشان میکنند این کار غلط است

نایب رئیس - آقای قنات آبادی بعنوان موافق با این ماده صحبت میکنید؟

قنات آبادی - بلی **نایب رئیس** - بفرمائید **شمس قنات آبادی** - فرمایشات جناب آقای حائری زاده آنمقداری که راجع بعیف و میل کار گردانان شرکت تلفن بود و تعقیب آنکسانی که اموال مردم را بنام هیت مدیره یا بنام های دیگر حیف و میل کردند گویا در ابتدا تحت عنوان مخالفت در کلیات بنده عرض کردم یک مطلبی را اینجای بحث میکنند و شاید میخواهم عرض کنم که تحت عنوانش هو می کنند و آن اینست که میگویند دولت می خواهد مال مردم را غصب کند ، مال مردم را بگیرد کی همچو چیزی هست کی می خواهند مال مردم را بگیرند؟ (صفائی) - پس گرفتن چطور است؟ گرفتن همین است (صفائی) - شما این لایحه را مطالعه کرده اید؟ (صفائی) - مطالعه کرده ام) کی همچو چیزی دارد این لایحه که دولت پول صاحبان سهام را می خورد؟

صفائی - نمی خورد ولی باید پول تأسیساتش را بدهد **شمس قنات آبادی** - اجازه بفرمائید بنده یکی یکی عرض میکنم کی همچو چیزی دارد که دولت سهم صاحبان سهام را میخورد؟ یکمده ای داریم که سهم خریدند حسن نیت هم داشتند و یکمده ای آمدند از این سهمها که خریده شده بزرگترین سوءاستفاده را کردند ، یک عده معدودی این شرکت تلفن را جایگاه دزدی و غارتگری کردند و غارت کردند و جناب عالی هم اطلاع ندارید و نمی شناسید آن اشخاصی را که بنده عرض می کنم سناتور بودند وکیل بودند

قدرت داشتند . چاییدند و پدر مردم را در آوردند **صفائی** - خیلی خوب دولت آنها را تعقیب بکند **شمس قنات آبادی** - حالا این بجای اینکه کار مردم راه بیندازد شرکت تلفن عوض اینکه یک مؤسسه عمومی باشد یک کار گناه دزدی شده همین مردمی که پول دادند همین مردمی که ششصد تومان ششصد تومان دادند برای تلفن همین مردم الان صدایشان در آمده ، این پولها را کی خورده؟ همین مؤسسه و بانان همین مؤسسه که مردم را غارت کردند (صفائی) - قبول است . بگریه به صاحبان شان بدهید) اولاً دولت که نگفته من سهم صاحبان سهام را می گیرم و می خورم و پولش را با بانهانی دهم همچو حرفی که زده این لایحه دولت است در اینجا اشاره کرده که روی نرخ عادلانه سال ۳۰ پول آنها را می دهیم . که اساساً در یک قسمت همین مطلب ما حرف داریم اصلاً در همین موضوع (صفائی) - بسیار خوب پس پول صاحبان سهام را هم ندهید (کی این حرف رازده است؟ (صفائی) - حرف داریم معنایش همین است) کی همچو حرفی زده که ندهند من میگویم که خود دولت میگوید من پول تمام صاحبان سهام را می دهم آخر نمیشود که تحت نام دین و مذهب و این عناوین اجازه بدهیم که یک عده مملکت را غارت بکنند شما یک چیزی می شنوید آنجا یک شرکت عادی نیست **صفائی** - اجازه بفرمائید من که صاحب سهم غارت کردم؟ غارت تکرار تعقیب بکنند **قنات آبادی** - مگر من میگویم سهم صاحب سهام را بخورند؟ سهم صاحب سهم را وقتی قیمتش را بدهید که دیگر غارتی نشده است

صفائی - سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید **قنات آبادی** - خواهش میکنم راجع باین موضوع سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید بیشتر توجه بفرمائید ، مقصودشان اینست که بجای پول صاحبان سهام قیمت تأسیساتش را بدهند (صفائی) - تأسیسات مال صاحبان سهام است (جناب آقای حائری زاده) فسر موندند که دولت موظف است و مکلف است که مطالعه کنند و آنمقداری که از این مؤسسات و تأسیسات لازم دارند آن مقدار را بردارد و بنجل و این حرفها را بدور بریزد . البته این مطلب را دولت مسلماً مطالعه کرده مسلماً ملاحظه کرده ، بعلاوه شرکت تلفن تأسیساتش عبارت از جایگاههایی است که برای نصب تلفن است یک مقداری هم سیم است و یک مقدار تلفن در طهران است چیز زائد و بنجلی اگر باشد وزارت پست و تلگراف بخواهد بگیرد آن مطلب ربطی ندارد باین موضوع و بنجلی اگر باشد

صفائی - سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید **قنات آبادی** - خواهش میکنم راجع باین موضوع سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید بیشتر توجه بفرمائید ، مقصودشان اینست که بجای پول صاحبان سهام قیمت تأسیساتش را بدهند (صفائی) - تأسیسات مال صاحبان سهام است (جناب آقای حائری زاده) فسر موندند که دولت موظف است و مکلف است که مطالعه کنند و آنمقداری که از این مؤسسات و تأسیسات لازم دارند آن مقدار را بردارد و بنجل و این حرفها را بدور بریزد . البته این مطلب را دولت مسلماً مطالعه کرده مسلماً ملاحظه کرده ، بعلاوه شرکت تلفن تأسیساتش عبارت از جایگاههایی است که برای نصب تلفن است یک مقداری هم سیم است و یک مقدار تلفن در طهران است چیز زائد و بنجلی اگر باشد وزارت پست و تلگراف بخواهد بگیرد آن مطلب ربطی ندارد باین موضوع و بنجلی اگر باشد

صفائی - سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید **قنات آبادی** - خواهش میکنم راجع باین موضوع سهم صاحب سهام را باید بقیمت تأسیساتش بدهید بیشتر توجه بفرمائید ، مقصودشان اینست که بجای پول صاحبان سهام قیمت تأسیساتش را بدهند (صفائی) - تأسیسات مال صاحبان سهام است (جناب آقای حائری زاده) فسر موندند که دولت موظف است و مکلف است که مطالعه کنند و آنمقداری که از این مؤسسات و تأسیسات لازم دارند آن مقدار را بردارد و بنجل و این حرفها را بدور بریزد . البته این مطلب را دولت مسلماً مطالعه کرده مسلماً ملاحظه کرده ، بعلاوه شرکت تلفن تأسیساتش عبارت از جایگاههایی است که برای نصب تلفن است یک مقداری هم سیم است و یک مقدار تلفن در طهران است چیز زائد و بنجلی اگر باشد وزارت پست و تلگراف بخواهد بگیرد آن مطلب ربطی ندارد باین موضوع و بنجلی اگر باشد

همین اساس است ، این شرکت است که صورت بنجل در آمده و این چیز فوق العاده ای که فرستاده باشد و کتله باشد و آن ها را بخواهند بعنوان سرمایه شرکت تلفن بگیرند وجود ندارد علاوه بر این تأسیسات این ها در مقابل پولی که از بانک ملی گرفته اند گرواست اینها رفته اند ۲۲ میلیون تومان بول گرفته اند ، پول از بانک گرفته اند و در مقابلش این تأسیسات را گرو گذاشته اند این تأسیسات همان سرمایه صاحبان سهام است اینها که بدون تصویب صاحبان سهام اینکار را کرده اند اینها سهامشان را سرمایه هایشان را خانه ها و اثاثیه و تلفنها را همه را گرو گذاشته اند و ۲۲ میلیون تومان گرفته اند آن هیت مدیره آن عده که بدون اجازه صاحبان سهام نرفته اند که این قرض را بکنند روی مقررات شرکت اجازه داشته و با آن اجازه رفته و این قرض را کرده و این ۲۲ میلیون خیلی بیشتر از آن سهمی بوده که صاحبان سهام پرداخته اند ۱۰ گرما به خواهیم مقایسه بکنیم این ۲۲ میلیون پولی که از دولت گرفته اند ، یعنی این آقایان صاحبان سهام پول این ملت را گرفته اند و این خیلی بیشتر از آن پولها نیست که بابت سهم داده اند بنا بر این اینها این ۲۲ میلیون را قبلاً پیش خور کرده اند ۰ این ۲۲ میلیون را چکار کردند؟ شما خیال میکنید که ۲۲ میلیون تومان بول گرفتند و خرج تأسیسات تلفنی کردند؟ نخیر آقا ، آقای صفائی شما مطمئن باشید که ۲۲ میلیون تومان بول گرفتند و لب این پول را خوردند **صفائی** - یک عده ای خوردند ، صاحبان سهام که نخوردند

شمس قنات آبادی - صاحبان سهام اجازه دادند که این پول را هیت مدیره شرکت سهامی کل تلفن ایران بگیرند و بدون اجازه و تصویب صاحبان سهام که نمیتوانستند این پول را بگیرند آنها اجازه دادند و تصویب کردند و اینها رفتند در مقابل این اجازه صاحبان سهام و دارائی شرکت تلفنی این قرض را کردند بنابراین این اجازه خود صاحبان سهام بوده (پارسا) - صاحبان سهام دیشب اعلان کردند و تقدیر کرده بودند از عمل دولت دیگر جای حرفی باقی نمی ماند) آخر یک صاحبان سهام دیگر هم هستند روزنامه را مطالعه بفرمائید ، یک صاحبان سهامی غیر از صاحبان سهام حقیقی هستند و آن کسانی هستند که این شرکت تلفن را یک د که ای برای خودشان کرده اند و آنها خیلی هم از این ملی شدن تلفن عصبانی شده اند .

نایب رئیس - پیشنهاد صفائی مذاکرات در ماده ۲ از طرف آقای که به رسیده است آقای که به خیلی مختصر

توضیح بفرمائید

که بند - بنده در ماده ۲ که پیشنهاد کفایت مذاکرات دادم روی این اصل است چون معتقد هستم که وزارت پست و تلگراف و تلفن طبق تصدیق و تأیید آقایان وزارت خانه مرتبی است و بنا کمال دلسوزی مشغول انجام وظیفه هستند و بطور کلی با فقدان وسایل وزارت پست و تلگراف کاملاً انجام وظیفه کرده است مخصوصاً در وقت رسانیدن تلگرافات مردم اینکه بنده بکفایت مذاکرات پیشنهاد دادم باین دلیل بود که اگر آقایان نظری دارند پیشنهاد بفرمایند و راجع به گرفتن این اموال که گفته شد خود بنده هم در این مورد پیشنهادی تقدیم کرده ام که در موقع توضیح خواهم داد برای اینکه باید دارائی و مطالبات شرکت معلوم شود یعنی دارائی و مطالبات شرکت ارزیابی بشود و قروضش را تعیین بکنند و قرضها را بدهند و اگر مازادی ماند صاحب سهم داده شود اینست که بنده خواستم تقاضا کنم که آقایان بکفایت مذاکرات رأی بدهند و اگر هم نظری دارند پیشنهاد بدهند ، پیشنهاد اصلاحی بدهند در اطراف او صحبت بشود

نایب رئیس - آقای مهندس غروی با کفایت مذاکرات مخالفند بفرمائید

مهندس غروی - عرض کنم این ماده ۲ یا بطور کلی این لایحه بنظر بنده فقط برای ملی شدن شرکت تلفن تهران است برای اینکه اگر ملاحظه بفرمائید غالب اموال دولتی مربوط بشرکت تلفن تهران است بدون آنکه جزء در دو ماده راجع به تلفن ولایات هم اشاره ای کرده باشد (خلخالی - مخصوصاً گیلان که خارج از حوزه امتیاز شرکت است) در صورتی که وضع تلفن ولایات هم بنظر بنده بهتر از وضع تلفن تهران نیست بلکه خیلی بدتر است حالا این یکمده اشخاص آمده اند پول مردم را گرفته یا خورده اند یا نخورده اند بنده وارد نیستم ولی آنطوریکه میگویند خورده اند ولی راجع باین طرحی که تقدیم مجلس شده بنده فوریت اولش را رأی دادم و با فوریت دومش مخالفت کردم و رأی ندادم برای این که مطالباتی بشود و در مورد ولایات هم یک فکری بشود

وزیر پست و تلگراف - راجع بتلفن ولایات پیشنهاد بکنید بنده قبول می کنم

مهندس غروی - بنده یک پیشنهادی کردم و آن پیشنهاد اینست که دولت در مدت یکماه که می خواهد شرکت تلفن تهران را تحویل بگیرد در مدت شش ماه کلیه تأسیسات تلفنی کشور را تحویل بگیرد چرا این عرض را کردم برای اینکه بعضی اینک بر حسب این قانون تلفن ملی شد شرکت های تلفنی ولایات که ما از آنها نهایت تا رضایتی را داریم بدون اینکه آنها هیچ

کاری انجام بدهند عوض اینکه کار تلفن را اصلاح کنند کار تلفن ولایات را بدتر هم خواهند کرد و امور تلفن ولایات را انجام نخواهند داد بلکه بدتر خواهند کرد بنا بر این بنظر من دولت بایستی برای ولایات هم یک فکری بکند و این لایحه نقص کلیش در همین قسمت است و خواهش میکنم آقایان باین قسمت توجه بفرمایند من یک پیشنهادی دادم و در سایر موارد هم پیشنهاد میدهم آخر ما ولایات هم جزء بشریم یک فکری هم برای ما بکنید

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - برای اینکه ذهن آقایان روشن باشد باید عرض کنم آنچه از تأسیسات ولایات که تابع این شرکت است ذکر شده و آنچه ذکر نشده ضمن پیشنهاد آقای مهندس غروی بنده موافقت میکنم

نایب رئیس - آقایانی که با کفایت مذاکرات موافقت قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد شروع بقرائت پیشنهادات می کنیم

(پیشنهاد آقای دکتر سنجابی

بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می کنم بماده دوم بعد از کلمات (شرکت سهامی کل تلفن) کلمات (وسایر شرکتهای تلفن) اضافه شود

نایب رئیس - آقای دکتر سنجابی

دکتر سنجابی - بنده بطور خیلی مختصر عرض میکنم که بعضی از شرکت های تلفنی در ولایات هست که مربوط بشرکت سهامی کل تلفن نیستند و بنا بر این این تقاضا شده است که در ماده دوم این کلمه اضافه شود که ماده ۲ باین ترتیب باشد که دولت مکلف است در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن و سایر شرکتهای تلفن را تصرف کند و بنا بر این در مورد سایر شرکتهای تلفنی هم عیناً مثل این لایحه عمل خواهد شد

وزیر پست و تلگراف - بنده قبول میکنم

نایب رئیس - جناب عالی هم قبول کنید باید رأی گرفته شود حالا اجازه به فرمائید ببینم این پیشنهاد وارد هست یا نیست برای اینکه مواد بعدی ممکن است با این پیشنهاد تطبیق نکنند بنده خیال میکنم که باین صورت ، این ماده قابل برای نیست و بایستی پیشنهاد بفرمائید که بصره ای اضافه بشود که سایر شرکتهای اصولاً مشمول ملی شدن میشوند و آئین نامه شان هم تنظیم خواهد شد

وزیر پست و تلگراف - این جمله در سایر شهرستانها فقط شامل یک شهرستان میشود آنهم گیلان است و جای

دیگری نیست و گیلان هم مشمول این پیشنهاد نمیشود قانمی هم نیست

مشار - بنده مخالفم چون توضیحی دارم

نایب رئیس - بفرمائید

مشار - عرض کنم که قیمت سهام این شرکت را در این باره معین کرده و ذکر کرده اند در صورتی که راجع به شرکت تلفن گیلان معلوم نمیشود که چه جور باید پرداخت کنند چون مال یک شخص معین است و پرداخت قیمتش بکلی فرق میکند بنا بر این خوبست که آقای دکتر سنجابی یک تبصره ای پیشنهاد بفرمایند که این کار هم ترتیبش معین بشود

نایب رئیس - آقای دکتر سنجابی

دکتر سنجابی - بنده اشکال این کار را نمیفهمم فقط یک مرکز واحدی در گیلان هست و مقرراتی که در اینجا برای شرکت تلفن هست برای آنجا هم هست و مقرراتی که این جا پیش بینی شده که بقیمت عادلانه یکسال قبل قیمت سهام پرداخت شود آنجا هم میتوانند عمل کنند

مشار - آنجا هم ندارد چون شرکت نیست

نایب رئیس - آقای مهندس غروی

مهندس غروی - شرکت تلفن گیلان مثل شرکت تلفن تهران نیست (مشار - اصلاً شرکت نیست) شرکتی است مال چند نفر و خصوصی است و همین طور که آقای مهندس رضوی تذکره دادند قوانین و مقرراتی که باید برای آنجا وضع بکنیم غیر از قوانین و مقرراتی است که باید برای شرکت کل تلفن وضع بکنیم و بنده هم پیشنهاد میکنم که بجای این پیشنهاد تفسیر ماده ۲ پیشنهادی بدهیم که در باره سایر شرکتهای غیر از شرکت تلفن ایران وزارت پست و تلگراف موظف است که یک آئین نامه مخصوص در ظرف یکماه بمجلس بدهد

نایب رئیس - بنده بنظر وزارت پست و تلگراف است اگر از نظر عمل اشکالی ندارد رأی بگیریم (معاون وزارت پست و تلگراف - اجازه بفرمائید) بفرمائید

دکتر مهندس داریوش - عرض کنم که تلفن گیلان در سابق ۰۰۰۰ خیلی معیشت میخواست تلفن گیلان در سابق دارای ۲۰ سهم بوده که دو سهم از این بیست سهم را کوچصفهانی داشته است در ابتدا ۱۸ سهم دیگر را از اشخاص دیگر خریداری کرده است و بالفعل کوچصفهانی دارای بیست سهم میباشد که خود کوچصفهانی مرحوم شده است و این بیست سهم بزرگ کوچصفهانی رسیده است و یک قیمت از عمارات این موسسات در واقع موقوفه است و اگر در این جایگاه دستوراتی

را که در مورد شرکت سهامی کل تلفن ایران است درباره این شرکت نیز اجرا بکنیم در واقع آنجا با سهمی که در نظر گرفته ایم طرز پرداختش کاملاً فرق میکند برای اینکه این جا بازار هست و در یکسال گذشته قیمت سهام را ما گرفته ایم و در دسترسمان هست و میتوانیم تعیین بکنیم در صورتی که قیمت سهام آنجا به چه مملو نیست و در این صورت بنده خیال نمیکنم که بوسیله تعیین کردن قیمت سهام ها بتوانیم این عمل را انجام بدهیم و بهتر اینست که ما مؤسسات اینجا را بطور امانی عمل بکنیم و بعداً تلفن خریداری بکنیم و آن قسمت از سهمهای هوایی را که مورد احتیاج ما هست ، آنرا خریداری بکنیم بقیمت روز و باین شرکت بپردازیم ، این بهترین راه حلی است که بنده در این مورد میتوانم عرض بکنم

نایب رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده میخواستم نظر حضرتعالی را تأیید بکنم که فرمودید که خوبست که در این قانون قید شود که اصل ملی شدن را ما در اینجا تصریح کنیم یک تبصره ای هم در اینجا گذاشته شود ، بنده برای جلب نظر جناب آقای دکتر سنجابی عرض میکنم که یک تبصره ای هم آنجا بگذارید که شرکت تلفن گیلان هم ملی میشود ، آئین نامه و طرز عمل آنرا وزارت پست و تلگراف تهیه کند و تقدیم بمجلس بکند برای اینکه یک عملی نشود که بر ضرر وزارت پست و تلگراف تمام شود و بدون مطالعه یک چیزی را عمل نکنیم ، بهتر اینست که در این باب اجازه داده شود که وزارت پست و تلگراف بتواند سهام را مطابق نرخ روز خریداری کند ، اینست که یک نظر بجا به اتخاذ شود که هم حق کسی تضییع نشود و هم بر ضرر وزارت پست و تلگراف نباشد

نایب رئیس - بنده خیال میکنم پیشنهاد آقای مهندس غروی موضوع را حل میکند ، این پیشنهاد را بخوائید (پیشنهاد آقای مهندس غروی بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم بماده ۲ تبصره زیر اضافه شود :

تبصره - وزارت پست و تلگراف موظف است که لایحه ای برای طرز ملی کردن سایر شرکتهای تلفن در مدت یکماه تقدیم مجلس شورای ملی نماید (مهندس بزرگ - زاده - طبق ماده اول ملی شده است) **غروی** - اجازه بفرمائید توضیح بدهم ؟

نایب رئیس - بفرمائید

مهندس غروی - این ماده دوم است ، تلفن در سراسر ایران طبق ماده اول ملی شد این را قبول میکنم اما طرز ملی کردن چون ملاحظه بفرمائید که سایر مواد

تقویم لزوم ندارد اصلاح سهام هر نوع شرکتی سه نوع قیمت دارد یک قیمت اسمی است که از روز اول روی سهم میگذرانند و می بردارند بعد قیمت است که در عمل پیدا میکند و آن بستگی دارد به بورس بازار یعنی بستگی باین دارد که سهام شرکت چه باشد اگر سود زیادی می دهد قیمت آن سهم هم در عمل زیاد میشود و قیمت سوئی که سهم پیدا میکند در حین انحلال است و آن بستگی با اموال و دارائی شرکت در حین انحلال دارد چه ممکن است یک قیمت از اموال و دارائی شرکت را کد باشد و تولید نکند و بورس شرکت را در حین عمل کرد بالا برد و همین دارائی شرکت محفوظ میماند و این در موقع انحلال شرکت مؤثر است بنابراین نمیشود بورس شرکت یعنی قیمت یک سهم شرکت را در حین عمل کرد ملاک حال انحلال قرارداد و در هر حال باید دارائی شرکت تقویم بشود و تکلیف کار معلوم بشود

نایب رئیس - بنا بر این توضیحات پیشنهاد آقای مجد زاده هم مربوط بطرز پرداخت قیمت است و در ماده هفت یاد آوری بفرمایند پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(پیشنهاد آقای اخگر (شرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می نمایم بجای مدت یک ماه نوشته شود فوراً

حاج سید جوادی - اینکه معجزه است.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری هم مشابه با این پیشنهاد از آقای زهری رسیده است، آقای اخگر

اخگر - عرض کنم که الان موافق این قانون که تصویب شده تا همین جا شرکت تلفن منحل شود غیر قانونی شد هیئت مدیره ای که داشته استعفا داده هیئت مدیره جدید را دعوت کرده که تشکیل بدهد که آن هم معنی ندارد و حق ندارد بکارهای این شرکت رسیدگی بکند یک اموالی هم این شرکت دارد و اگر ما بخواهیم یک ماه معطل شویم ممکن است که اثاثیه و اموال نقد این شرکت از بین برود بنابراین بنده پیشنهاد کرده ام که فوراً تصویب بکنند و اگر طول میکشد مدت تصرف مانعی ندارد (شبهتیری در ظرف یکماه ولی خلائی پیدا نشود که در این میانه بلا تکلیف بماند و از بین برود هم بضرر صاحبان سهام است هم بضرر طلبکارهاست و هم بضرر بانک ملی

وزیر خارجه - قید بفرمائید شروع تصرف **اخگر** - قبول می کنم شروع تصرف بلافاصله پس از تصویب قانون نوشته شود.

وزیر پست و تلگراف - نظر بنده هم همین است چون بلافاصله شروع می کنیم بعمل و منتهی یک ماه است

نایب رئیس - جناب آقای اخگر پیشنهادتان را اصلاح بفرمائید و بدهید (اخگر - الان می دهم) آقای چهاردری مخالفند بفرمائید

چهاردری - عرض میشود بنده راجع باین پیشنهاد مخالفت کردم علتش این است که قوانینی که از مجلس شورای ملی می گذرد متأسفانه روی تعجیل این لوایح را با فوریت می آورند و می گذرانند و در اطراف این لوایح اصلاً توجه نمیشود و بکمیسیون های مجلس هم نمی رود حق این بود که وزیر پست و تلگراف این لایحه را با یک فوریت می دادند که میرفت در کمیسیونها شور میشد و مورد مذاکره قرار میگرفت و آقایان هم بیشتر توجه می فرمودند و اصلاحاتی میشد و می آوردند دیگر وقت مجلس اینقدر گرفته نمیشد حالا که این موضوع مطرح شده خواستم که بعرض برسانم که تمام این قوانینی که از مجلس میگذرد برای تهران است نسبت بولایات هیچگونه توجهی نمی شود مثلاً آذربایجان یا تبریز فاقد ارتباط است در دنیای امروز که مادر عرض چند ثانیه می توانیم با تمام ممالک دنیا ارتباط برقرار بکنیم و صحبت بکنیم نمی توانیم با تبریز حرف بزنیم برای تذکر و یادآوری خواستم بعرض آقای وزیر پست و تلگراف برسانم که در دوره متفقین از تهران تا آستارا یک تلفن بی سیم دایر شده بود که الان سیم کشی آن در آنجا موجود است (نریمان - تلفن بی سیم سیم کشی ندارد) خیر تلفن باسیم است دارد این دستگاه از بین می رود پیش از شما بنده با وزرای وقت صحبت کردم که این تلفن را اتصال بدهند به تبریز و رضایه که اهالی آنجا هم از این قسمت استفاده کنند خواستم که در ضمن این قانون نسبت به این تلفونی که تا رشت دایر شده است و تا آستارا رسیده توجهی بشود و فکری بر این بکنید

نایب رئیس - پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود

(پیشنهاد آقای اخگر با اصلاحی که بعمل آمد شرح زیر قرائت شد)

دولت مکلف است بلافاصله از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن را تصرف نماید

نایب رئیس - پس در واقع این می شود بجای ماده دو و بعنوان صلاحی در آخر رای میگیریم پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(پیشنهاد آقای شبستری شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم در ماده دو بعد از دولت مکلف است در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون «جمله «فوری پس از تاریخ تصویب این قانون» گذاشته شود

نایب رئیس - مشابه با پیشنهاد آقای اخگر است. پیشنهاد دیگری قرائت شود

(پیشنهاد آقای مهندس غروی شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می کنم بماده ۲ تبصره زیر اضافه شود:

تبصره - وزارت پست و تلگراف موظف است که لایحه ای برای طرف ملی کردن سایر

پیشنهاد می کنم در ماده دو بعد از کلمه (کل تلفن را) جمله آتی اضافه شود: «بارعایت حقوق صاحبان سهام بشرح مواد آتی»

شبستری - مواد بعدی حاکم بر خودشان خواهند بود چون مواد آتی هر چه باشد قانونیت خواهد داشت

شبستری - اجازه می فرمائید توضیح مختصری عرض کنم

نایب رئیس - همان جا توضیح بدهید

شبستری - چون سوء تفاهمی شد دولت میخواهد سهام صاحبان سهام را بصورت مصادره بگیرد این جمله را بنده اضافه کردم که بادر نظر گرفتن مواد آتی حقوق صاحبان سهام داده میشود حالا موافقت دارند یا ندارند بنده نمی دانم

نایب رئیس - بطوری که عرض کردم مواد آتی هر کدام مربوط بموضوعی است باین ماده ربطی ندارد پیشنهاد بعدی قرائت میشود

(پیشنهاد آقای حائری زاده (شرح زیر قرائت شد) ماده دوم را به شرح زیر پیشنهاد می نمایم:

دولت مکلف است در مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون آنچه از دارائی شرکت سهامی تلفن را که طرف حاجت خود بداند با قیمت عادله خریداری نموده و قیمت آن را بابت طلب تلفن ملی محسوب دارد بقیه برای سایر طلبکارها و صاحبان باشد.

حائری زاده **نایب رئیس** - مربوط بماده ۲ نیست **حائری زاده** - مربوط به همین ماده است می خواهند تصرف بکنند

نایب رئیس - مربوط باین ماده نیست پیشنهاد دیگری بخوانید آقای

حائری زاده - خود سری در این مجلس هم معلوم می شود معمول شده است.

(پیشنهاد آقای زهری شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دوم بجای «در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون» جمله «فوری پس از تاریخ تصویب این قانون» گذاشته شود

نایب رئیس - مشابه با پیشنهاد آقای اخگر است. پیشنهاد دیگری قرائت شود

(پیشنهاد آقای مهندس غروی شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بماده ۲ تبصره زیر اضافه شود:

شرکتهای تلفن در مدت یکماه تقدیم مجلس شورای ملی نمایند

مهندس غروی - پس گرفتیم آقای

نایب رئیس - پیشنهاد بعدی قرائت میشود

(پیشنهاد آقای نبوی شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دو بصورت زیر اصلاح شود

دولت مکلف است در ظرف یکماه در تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات، دارائی شرکت سهامی کل تلفن را با تأدیبه سهام بقیمت عادله تصرف نماید

نایب رئیس - آقای نبوی **نبوی** - بنده ماده ۷ را خوانده ام و دیده ام که در آنجا نوشته شده است که سهام را بچه طریق بولهایش را خواهند پرداخت ولی در اینجا برای تصرف تأسیسات مدت معین کرده یکماه ولی در آن گفته نشده که این پولها کی پرداخت خواهد شد و این یکماه را هم میخواهیم فوراً کنیم ما باید دو طرف را یک جور به بینیم و این توضیحی که آقای دکتر فاطمی دادند در مورد شرکت ملی نفت ما عیناً همین جور عمل کردیم و بهیچوجه در آنجا نظرمان این نبود که اموالی را مصادره کنیم و حالا هم یک چنین نظری نداریم اینکه ما تصریح کنیم و تأکید کنیم که باید فوراً و بلافاصله تمام اموال شرکت را تصرف کنیم ولی پرداخت پول آنها را موکول کنیم بآتی مجهولی که معلوم نیست و در ماده ۷ بهیچوجه ذکر نشده که بچه طرز و کی پرداخت خواهد شد این سلب اعتماد عموم را از ما خواهد کرد مجلس بایستی کاری کند که مردم اعتماد و اطمینان کنندنه سلب اعتماد بسیار سهل است که بایست قیام و قعود بگوئیم تمام اموال شرکت را تصرف بکنیم اما این صحیح نیست برای مخارجی هم که این مردم کرده اند باید یک فکری بکنیم آقایان تصور نباید بکنند که تمام این صاحبان سهام تمام مردمان شیادی هستند که در آنجا استفاده هائی کرده اند یک قسمت از آن امروز مال مردم فقیر و بیچاره و پیرزن و کاسب و مردم کم بضاعت است حقوق اینها باید بهر طریقی که هست حفظ شود ما هیچ وجه نباید راضی شویم که یکدفعه سرزیر کنند ما مورین دولت و تمام این تأسیسات را تصرف کنند اینهم بطریقی که جناب آقای اخگر فرمودند وری و بلافاصله و آنوقت برای پرداخت آن حواله شان بدهیم یک تاریخ نامعلوم (پارسا - در ماده ۷ نوشته شد دست

در ماده ۷ جناب آقای پارسا نوشته شده این پول داده خواهد شد اما بسیار صحیح است که این مقارنه داشته باشد یعنی همان ساعت که می خواهید بروید تصرف کنید بفرموده قیمت سهام اینها هم باشید بنده

هم تبعیت کردند از فرمایشی که آقای دکتر فرمودند و آن صحیح بود البته امروز ما نمی توانیم آجر آجر قیمت کنیم یا کابلها را متر متر کنیم البته این شاید در آینده هم بزنند در حالیکه امروز قیمتش اینها نیست ولی حقوق حقه اینها که قیمت واقعی و معمولی امروز سهام است باید فوراً داده شود نه اینکه ما تصرف بکنیم و پولش را ندهیم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای نبوی در ماده دو وارد نیست در ماده ۷ خواهند توانست حداکثر مدتی برای پرداخت سهام تعیین کنند پیشنهاد دیگری قرائت می شود (پیشنهاد آقای کههد بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی جناب پیشنهاد میکنم تبصره زیر به ماده ۱۲ اضافه شود

تبصره - کلیه دارائی شرکت به نرخ روز ارزیابی و مطالبات شرکت وصول و پس از تأدیبه قروض شرکت بقیه را به تناسب بین صاحبان سهام تقسیم نمایند

نایب رئیس - این هم وارد نیست کههد پس میگیرم با توضیحاتی که آقای وزیر امور خارجه دادند

ماده دو باین پیشنهاد اصلاحی که مورد توجه شد خوانده می شود فقط يك كلمه اضافه می شود طبق پیشنهادی که رسیده بود که بنویسیم بلافاصله از تاریخ تصویب این قانون (نبوی - این فایده ندارد عملی نیست) اول ماده ۲ را بهمان شکلی که آقای اخگر پیشنهاد کرده اند می خوانند (پیشنهاد آقای اخگر بشرح زیر قرائت شد)

دولت مکلف است بلافاصله از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن را تصرف نماید

نایب رئیس - توضیح داده شده مخالف و موافق صحبت کرده اند آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام بفرمایند (اخگر - راجع به اینکه فوری تصرف نماید) (عده کمتری برخاستند) رد شد ماده دوم بهمان صورتی که در لایحه دولت هست قرائت و رای میگیریم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲ - دولت مکلف است در ظرف یکماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات و دارائی شرکت سهامی کل تلفن را تصرف نماید

نایب رئیس - آقایانی که باین

لایحه موافقت قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد

۳ - قرائت نامه آقای نخست وزیر راجع به لایحه قانونی امنیت اجتماعی ضمن تقدیم آن لایحه

نایب رئیس - بنده اجازه می خواهم که فعلا چون دولت هم لایحه ای دارد برای تقدیم و آقایان هم خسته شده اند این قانون را تا همین جا باقی بگذاریم برای دستور جلسه آینده اجازه بفرمایند نامه ای که آقای نخست وزیر بوسیله جناب آقای وزیر دادگستری فرستاده اند خوانده شود

بشرح زیر بوسیله آقای ناظرزاده قرائت شد

مجلس شورای ملی بر اثر پیش آمد يك سلسله مسائل داخلی و خارجی که دولت از نظر حفظ مصالح کشور ناگزیر از انجام آن بود و اخذ تصمیماتی که در نتیجه فراهم شدن زمینه برای شروع با اصلاحات اساسی در شئون مختلف کشور ضروری می نمود با توجه به گزارشهایی که از مقامات مسئول تأمینی و انتظامی راجع باوضاع عمومی می رسید و شیوع تحریکات دامنه داری را از طرف عمال بیگانه و ایادی آنان تأیید میکرد بمنظور حفظ امنیت کلیه نقاط کارگری و بنگاهها و ادارات دولتی و جلوگیری از اعتصاب غیرقانونی و عصیان و تعدد و اخلال در نظم و آرامش در سراسر کشور موادی با پنجانب پیشنهاد شد که موافقت با آنرا بادر نظر گرفتن مقتضیات وقت از لحاظ حفظ آزادی افراد و تأمین امنیت اجتماع سودمند تشخیص داده و لازم دانستم با جرح و تعدیل در آن مواد بصورت لایحه قانونی امنیت اجتماعی که باستحضار آقایان نمایندگان محترم رسید و متن آن نیز در تاریخ ۳۱ اردیبهشت برای استحضار مجلس شورای ملی ارسال گردیده بموقع اجرا گذاشته شود

و با این عمل علاوه بر مدت عمل اجرای آن برای جلوگیری بسیاری از مفاسد استفاده شد و نتیجه خوبی هم در حفظ امنیت عمومی داشته و خوشبختانه تا آنجا که دولت اطلاع دارد در هیچ مورد هم از مقررات آن سوء استفاده بعمل نیامده متأسفانه از طرف عده ای از آقایان نمایندگان محترم بجتهاتی که بیان فرموده اند و کلیاتی را شامل بوده ست راجع بمقررات لایحه قانونی مزبور اظهار نگرانی شده است

یک قسمت از اظهار نگرانی آقایان مربوط بادامه مقررات مزبور برای

یک مدت متمادی می باشد که این موضوع در ضمن لایحه قانونی پیش بینی و تصریح شده است که کمیته اعتبار آن برای سه ماه از تاریخ انتشار است و قید سه ماه برای آن بوده است که موهم تمادی اجرای مقررات مزبور نباشد

بعلاوه بطوریکه در فوق باستحضار رسید از نظر پیش آمد مساایلی بود که بنا بر مصالح و مقتضیات کشور دولت ناگزیر با آن مواجه می شده و اگر پیش بینی های لازم را در موقع خود نمی کرد محتملا با مشکلات بیشتری که با مال بزبان کشور تمام میشد مواجه میگشت

قسمت دیگر از اظهار نگرانی آقایان در باره وضع نمایان این مقررات در آینده و سوء استفاده از آن بدست دولتهای دیگر است در این مورد هم بدیهی است پس از انقضای مدت سه ماه هیچ دولتی نمی تواند از مواد لایحه مزبور که اعتبار قانونی آن منقضی شده است استفاده کند مگر آنکه مجلس شورای ملی اجرای نظائر این مقررات را در موقعی معین و برای موردی که ضروری تشخیص فرمایند لازم بدانند و قانونی نظیر این لایحه قانونی وضع بفرمایند

علاوه بر مطالبی که در فوق باستحضار رسید موارد دیگری نیز وضع مقررات این لایحه قانونی را ایجاد می نمود که در ذیل باستحضار میرسد

۱ - نواقصی که در تشکیلات دوائر دولتی ما موجود می باشد این نواقص موجب آن شده که دستگاههای دولتی بوضع اطمینان بخشی نمیتوانند وظایف خود را انجام دهند بر اثر همین نواقص تشکیلاتی است که يك نفر مهم باموجود بودن قرائن بر توجه اتهام پس از اینکه با تدابیر مأمورین انتظامی و تأمینی دستگیر میشود پیش از آنکه بکفر اعمال زشت و ناروای خود برسد بعنوان سپردن ضامن و غیر آن و بانتظار رسیدن نوبت از دست مأمورین رهائی پیدا میکند و در این فاصله با اطمینان خاص بعدم تعقیب خود برای ادامه رفتار ناشایست و تمقیب مقاصد سوئی که دارد فرصت مجددی مییابد و در ضمن برای امحاء آثار جرائم سابق و خنثی کردن اقداماتی که قانون برای تعقیب او مقرر داشته است بکار میبرد

۲ - برای اصلاحات اساسی که کشور نیازمند آنست بدیهی است پاره ای اصلاحات مورد نظر بامنافع اشخاص زیادی که همیشه سد راه اصلاحات اساسی بوده اصطکاک پیدا میکند در این صورت اگر اصلاحات صحیح و بموقع باشد و افراد بخواهند اوضاع را به نفع خود آشفته و اقدام دولت را خنثی سازند

البته دولت با استفاده از مقررات قانونی امنیت اجتماعی از سوء استفاده آنان جلوگیری خواهد نمود و چنانچه عمل خلافی انجام ندهند هیچ مقامی مزاحم آنان نخواهد بود

۳ - اوضاع حاضر که گزارشهای واصله بدولت چگونگی آن را آشکار میسازد و قطعیت تصمیم و شدت عمل را در اجرای مقررات جاریه ایجاب میکند البته نرمی و مدارا در موقع خود بسیار مستحسن و پسندیده است ولی در غیره موقع زیان آور خواهد بود

خشونت که برای ارباب آزادی خواهان و اختناق مردم بعمل بیاید بسیار نا پسند است ولی وقتی برای حفظ آزادی عمومی باشد نباید موجب نگرانی افراد بشود در حقیقت در لایحه قانونی امنیت اجتماعی این نکته در نظر گرفته شده است که مرتکبین جرائم اولابکی فر خود برسند و در ثانی بطور قطع در اسرع وقت و بی آنکه فرصت توطئه و مواضعی داشته باشند کیفر خود را ببینند

این بود مختصری از آنچه وضع مقررات لایحه قانونی امنیت اجتماعی را ایجاب می کرد و دولت همانطور که پیش بینی کرده و تا این تاریخ عمل نموده است تا انقضای اعتبار لایحه قانونی اجرای آن را ضروری می داند اینک لایحه امنیت اجتماعی را بر طبق ماده واحده قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ تلواً تقدیم میدارد

نخست وزیر - د کتر محمد مصدق

(۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

نایب رئیس - بکسیسون مربوطه فرستاده میشود دستور مجلس يك قسمت سؤالات آقایان نمایندگان بوده البته آقایان وزیران تشریف آورده اند اطلاع هم داده اند که برای جواب سؤالات حاضرند الان هم آقای وزیر دارائی و آقای وزیر راه اطلاع داده اند که ما حاضریم ولی بنده تصور میکنم که چون وقت گذشته امروز مطرح نشود ولی بطور کلی برای اینکه دولت هم مستحضر باشد در آخر جلسه آینده سؤالات مطرح می شود حالا اگر آقایان میل دارند نطق بعد از دستور بفرمایند (جمعی از نمایندگان - ختم جلسه) اگر موافق نباشند که نطق بعد از دستور بشود جلسه را ختم میکنیم (صحیح است) جلسه آینده روز پنجشنبه ساعت ۹ صبح دستور بقیه لایحه تلفن و سؤالات (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - **احمد رضوی**